













## اطلاعات

## ۳۴ شرکت اروپایی در صف بازگشت به ایران

بقیه از صفحه اول

شورچه‌چرخ خراسان، گنبدهای نمکی کاشان، پورتشار ورامین، احمدی شیراز، فول تپه نئبند کاپوس، در میادین بابایور، بانکول، ویزتهار ایلام از مهمترین پروژه‌های در دست اجرا و با مطالعاتی به منظور ذخیره سازی گاز طبیعی در ایران است. در همین زمینه خبر دیگری حاکیست طرح احداث “فراگیر پالایشی سیراف” در قالیاب هشت پالایشگاه میعانات گازی

مستقل هر یک به ظرفیت ۶۰ هزار بشکه در روز با مشارکت بخش خصوصی در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی به اجرا درمی آید.

به گزارش روابط عمومی وزارت نفت، این طرح به منظور جلوگیری از خام فروشی و ایجاد ارزش افزوده نفت به اجرا گذاشته می شود.وزارت نفت از تمامی سرمایه گذاران بخش خصوصی که دارای توانایی فنی و مالی لازم هستند، برای مشارکت در این طرح دعوت کرد.

### کشور در شرایط تنش آبی است

کشور به شرایط تنش آبی رسیده است که گذر از این مرحله نیازمند مدیریت صحیح و همکاری تمامی نهادهای است. به گزارش ایرنا، رحیم میدانی معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا دیروز در هشتمین کنفرانس ملی روز جهانی محیط زیست در دانشگاه تهران اظهار داشت:در زمینه مدیریت منابع آب در رویکرد خوبی در دولت تدبیر و امید شکل گرفته است، اما فعلا دولت به تنهایی قادر به حل مشکلات آب نیست و باید تمامی نهادهای در کنار هم قرار گیرند.

وی افزود:حاصل معادله آب بسیار پیچیده است و مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این امر دخیل است که ایجاد همسویی در این بخش ها یکی از برنامه های دولت به شمار می رود. میدانی ادامه داد:امروز مردم در منابع آب فقط بخش سازه‌ای مانند سد سازی، تجهیزات، آبپاشی، زهکشی و شبکه های آبیاری نیست، بلکه باید نحوه صحیح استفاده از منابع آب را فرا بگیریم. از این رو نباید از تلفات ناشی از غفلت بوییم بلکه بایداشتباه های گذشته خود را صادقانه بپذیریم و در صدد جبران آنها بپردازیم.

وی تأکید کرد: امروزه باوضع بسیار نامناسب آب در کشور مواجه هستیم که باید جدی گرفته شود، در واقع علت مشکل به وجود آمده نبود تعادل شدید در منابع و میزان بارش است، وارد کردن فشار زیاد به منابع آبی در برخی کشاورزی و صنعت، نبود تعادل بار و وجود آورده است و موجب شده امروز با نمونه هایی مانند دریاچه ارومیه مواجه شویم. وی افزود: متخصصان دنیا معتقدند اگر کشوری بخواهد به تعادل رسد آن زنده بماند، نباید بیشتر از ۲۰ درصد منابع آبی خود

سیاست نامناسب آب در کشور موجب تغییر در آب و هوا شده است، میدانی با اشاره به اینکه برنامه ریزی صحیح نیازمند داشتن اطلاعات و داده‌های اصولی در زمینه منابع آبی کشور است، گفت: اکنون آبرسانی به حدود ۵۰۰۰ روستا با تأکیر انجام می‌دهیم؛ چرا که نشان مردم ایران بسیار بیشتر از این است.

از این رو برای جبران آن نیازمند برنامه ریزی و تأمین بودجه کافی هستیم.معاون وزیر نیرو افزود: سه سال از آبگیری سد کرخه می گذرد، در حالی که هنوز به آن حد استاندارد

### فاز دوم مجتمع بذر و نهال گلخانه ای کشور بزودی آغاز می شود

سرویس اقتصادی: فاز دوم تأسیسات مجتمع بذر، نشا و نهال گلخانه ای کشور برای تولید بذر اصلاح شده گلخانه ای بزودی به سطح ۱۴ هکتار آغاز می شود.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را مهندس محسن موحیدیان عطار رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی کشور افزود: این مجتمع با همکاری سازمان و صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر با پیش بینی ۱۲۰ میلیارد تومان هزینه اجرا خواهد شد که برای ۵۰۵ نفر به طور مستقیم ایجاد اشتغال شده و ۵ درصد بذر مورد نیاز کشور را تولید خواهد کرد.

وی همچنین اعلام کرد:سازمان نظام مهندسی کشاورزی برای پرداخت تسهیلات خرید کشاورزی به متقاضیان از طریق پست بانک همکاری مشترک خواهد داشت که این تسهیلات برای فعالیت های خرد تا سقف ۵۰۰ میلیون ریال با بهره ۱۵ درصد و برای پروژه های کلان بدون سقف خواهد بود.

# اعلامیهٔ پذیرهنویسی سهام شرکت گلکش (سهامی عام) ثبت شده به شمارهٔ ۳۶۰۱

به اطلاع می‌رساند به استناد مصوبهٔ مجمع عمومی فوق‌العاده ۲۴ بهمن ۱۳۹۲ و مجوز شمارهٔ ۱۲۱/۲۴۹۳۲۷ مورخ ۱۰/۰۷/۱۳۹۲۱۱ سازمان بورس و اوراق بهادار مقرر گردید سرمایهٔ ثبت از مبلغ ۹۰ میلیارد ریال به مبلغ ۲۰۰ میلیارد ریال افزایش یابد. در مهلت تعیین شده جهت استفاده از حق تقدم خرید سهام، تعداد ۳۳۴٬۰۹۹۲۵ سهم از سهام جدید توسط سهامداران شرکت پذیرهنویسی گردیده است. با عنایت به انقضای مهلت استفاده از حق تقدم مذکور و به منظور تحقق افزایش سرمایه، تعداد ۷۴٬۶۷۶ سهم ۱۰۰ ریالی استفاده نشدهٔ سهامداران برای پذیرهنویسی عمومی با عنایت به مجوز شمارهٔ ۹۱۵/۲۸۵۰۰۴۰۲۰۱۳۹۳۰۲۰۱۲۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۴ ادارهٔ ثبت شرکتها به‌شرح زیر عرضه می‌گردد:

**(۱) موضوع فعالیت شرکت:**

**الف: موضوعات اصلی**

تولید و تهیه انواع مواد و محصولات شوینده پاک کننده بهداشتی و آرایشی و مواد صنعتی مرتبط
انجام کلیه امور خدمات بازرگانی موضوع شرکت و نیز انجام امور صادرات و واردات کالاهای موضوع شرکت
**ب: موضوعات فرعی**
انجام کلیه امور به نحویکه با موضوع شرکت ارتباط داشته باشندو در چهارچوب قوانین و مقررات موضوع کشور جمهوری اسلامی بوده و مفید و نافع باشد .

سرمایه‌گذاری در سایر شرکتها و ایجاد شرکتهای جدید

انجام امور مربوط به تأمین مالی در چهارچوب قوانین و مقررات مربوطه و در جهت منافع شرکت

انجام خدمات فنی و آزمایشگاهی

**(۲) مرکز اصلی و نشانی شعب شرکت و کد پستی:**

**مرکز اصلی:** اصفهان – شهرک صنعتی جاده – خیابان هفتم – فاز اول – پلاک ۱۶ کدپستی ۸۴۸۶۱۳۴۱۹۱
**شعبه:** تهران – بزرگراه فتح (بزرگراه قدیم کرچ) – شرکت پاکسان کدپستی ۱۳۸۶۳۸۴۱
**شعبه ۲: شرکت شرکت:** تهران – ۹۰۰ خیابان ریال،

**(۴) موضوع افزایش سرمایه:** اصلاح ساختار مالی و تأمین سرمایه در گردش ،

**(۵) محل افزایش سرمایه:** افزایش سرمایه شرکت از محل مطالبات حال شده سهامداران و آورده نقدی می باشد.

**(۶) مبلغ افزایش سرمایه:** ۱۱۰ میلیارد ریال،

**(۷) مبلغ سرمایه پس از افزایش:** ۲۰۰ میلیارد ریال

**(۸) مدت شرکت:** نامحدود

**(۹) نوع سهام:** عادی با نام

**(۱۰) ارزش اسمی هر سهم:** هزار ریال،

**(۱۱) تعداد مشارکت شده توسط سهامداران شرکت:** ۹۰۹۹۲۵۰۳۳۴٫۰۰۰ ریال.

**(۱۲) تعداد سهام قابل عرضه به عموم:** ۷۴۶۷۶ سهم،

**(۱۳) مشخصات اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت:**

اشخاص حقوقی	شماره ثبت	شناسه ملی	نماینده	نام پدر	شماره شناسنامه	کد ملی	سمت
شرکت مدیریت صنعت شوینده توسعه صنایع بهشهر	۳۴۸۲۳	۱۰۰۱۲۵۷۶۹۳	آقای جمشید فروزش	خسرو	۵۵۱	۰۰۴۵۲۸۷۰۷	رئیس هیات مدیره
شرکت مروراب هامون	۳۲۴۷	۱۰۰۶۰۳۲۹۱۹۹	آقای علی صفوی نژاد	غلامعلی	۵۷	۲۰۹۱۸۱۶۱۵	نایب رئیس هیاتمدیره
شرکت مدیریت باران توسعه بهشهر	۳۲۳۲۴	۱۰۰۱۲۷۱۳۲۴	آقای حبیب همدانی رجا	احمد	۴۲۸۴۰	۱۲۸۰۳۷۱۳۱۴۰	مدیر عامل و عضو هیات مدیره

## ارزیابی سازمان ملل از نحوه تعامل دولت و بخش خصوصی ایران

می توان گزارش تعامل دولت ایران با

بخش خصوصی را به دقت ارزیابی و نتایج مثبت آن را به دیگر کشورها منتقل کرد.وی خواستار آزادسازی بیشتر تصدی های دولتی و اصلاح قوانین و مقررات برای گسترش فعالیت های بخش خصوصی شد. آقای هالیان ژو دستیاررشد بان کی مون(دبیرکل سازمان ملل) و رئیس برنامه عمران سازمان ملل متحد( UNDP) دیروز در کنفرانس نقش بخش خصوصی در تدوین اهداف توسعه ملل متحد بعد از ۲۰۱۵ که در تهران برگزار شد، از گفتگوهایی مستقیم و تعامل یافته با رئیس خصوصی ایران در سالهای اخیر قدر دانی کرد و گفت: در فرصت کنفرانس ماهه باقیمانده تا پرگزارش کنفرانس سران کشورها به منظور بررسی نتایج پیاده سازی اهداف هزاره سوم،

مهندس محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت هم در این کنفرانس ضمن ارائه گزارش از اقدامات دولت برای اجرای اهداف هزاره سوم گفت: دولت جمهوری اسلامی ایران بنا دارد تا حداقل های امکانات زندگی را برای مردم فراهم کند و وضع رفاه عمومی را به سطح مناسب برساند که در این راستا ایجاد اشتغال مهمترین نکته است.

وی تصریح کرد: با توجه به جمعیت زیاد هنوز نتوانسته ایم در این

### حمایت دولت از صادرات برای خروج از شرایط رکود

خروج از رکود از اصلی ترین برنامه های دولت در سال جاری است و از این رو ضروری است تدابیر راهبردی برای تقویت و توسعه صادرات کشور اندیشیده شود.

مهندس اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در جلسه اخیر شورای عالی توسعه صادرات ضمن بیان این مطلب، بر دو محور حمایت از صادرات کنندگان کشور تأکید کرد و از وزارت صنعت، معدن و تجارت و دستگاه های مرتبط خواست دستورالعملی مشخص برای اقدامات حمایتی از صادر کنندگان تدوین کنند. معاون اول رئیس جمهوری همچنین با اشاره به مشکلات صدور ضمانت نامه بانکی برای صادرات خدمات فنی و مهندسی، از بانک مرکزی خواست ظرف مدت یک ماه از موضوع را بررسی کند تا علاوه بر عبور از تابستان، با قدرت عمل بیشتری به پیشواز پاییز برویم.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، محمد پرورش در جمع خبرنگاران با بیان اینکه امسال بارش ها نسبت به سال گذشته کمتر بوده در استان تهران بارش نسبت به زمان بلند مدت ۳۰ درصد کاهش داشته است، گفت: باید اذعان کرد علاوه بر فصل تابستان باید به فصل پاییز با وجود این کاهش بارندگی ها و کاهش چند، فصل فصل دشتواری خواهم داشت.

وی تأکید کرد: برای آب رسانی شهر تهران مشکلات مصرفی وجود دارد، چرا که پیک مصرف آب در تهران ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار متر مکعب بوده و به معنی این است که در هر ثانیه ۳۸ متر مکعب آب تولید می شود.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران افزود: برای گذر از تابستان و پاییز ۹۳ باید به مدیریت مصرف و تقاضا توجه ویژه ای شود.

### اعطاء سند ثبت جهانی کشاورزی مبتنی برقنات به ایران

سند ثبت جهانی نظام کشاورزی مبتنی بر قنات با حضور وزیر جهاد کشاورزی و دستیار دبیرکل سازمان ملل متحد در مراستفاد در محل این وزارتخانه و به حضور مقام عالی وزارت تبه کشوری و نمایندگان سازمان ملل متحد و رئیس تهران شد.

به گزارش ایرنا، نظام آبیاری کشاورزی در ایران از طریق قنات که با اجماع اعضای سه نفره کمیته راهبردی و علمی برنامه سازمان خواربار کشاورزی ملل متحد (فائو) به عنوان یکی از میراث های

هدفمندی یارانه ها به بخش تولید و

اشتغال تخصیص یافته است. بنابر این باید در قانون هدفمندی که بیشتر منابع درآمدی را به مصرف نقدی می رساند، تجدید نظر کنیم.

وی همچنین به حفاظت از محیط زیست به عنوان هدف هزاره سوم اشاره کرد و از همکاری نزدیک صنایع با سازمان های ذیربط از جمله محیط زیست خبر داد و گفت: برای یاداری محیط زیست این سازمان ها در راستای ایجاد تنظیم مقررات دولت برای اجرای اهداف توسعه ملل متحد باید همکاری می کنند.و از اول

تیر، استاندارد کیفی تمامی خودروهای سواری که سال گذشته یورو ۴ بوده، به یورو ۵ تبدیل شده و وزارت نفت در راستای بهینه سازی سوخت با بنزین یورو ۵ همراه است.

وزیر صنعت، معدن و تجارت اشاره کرد که طی دو ماه گذشته دولت ضوابطی را تصویب کرده که خودروهای سنگین،

### ابنکار: دولت اراده جدی برای رفع آلودگی هوا دارد

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: در ۹۳ روز اول امسال، ۷۰۰۰ روز سالم

و شش روز پاک را در شهر تهران تجربه کردیم.
معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران هم در نشست مصوبات این جلسه از اختصاص ۱۰۰ میلیارد تومان از سوی دولت برای پرداخت جوایز صادراتی خبر داد و گفت: تصمیم دولت این است که به کالاهای جواز صادراتی تعلق گیرد که ارزش افزوده بالایی داشته باشند.
بزرین در این آلودگی ها در جمع خبرنگاران، افزود: البته این نوع روز ناسالم هم بیشتر مربوط به توان تهران بوده است.

با تأکید بر این که دولت اراده بسیار جدی برای رفع آلودگی هوا دارد و بر نامه ریزی های خوبی نیز صورت گرفته است، گفت: این کم چه اتفاقاتی در گذشته در این باره افتاده است کاری نداریم،اما میزان سالم بودن هوا در تهران موجب رضایت مردم شده است و مراجعات و تشکر مردم از دولت مویید این موضوع است که هوا سالم تر و پاک تر شده است.

معاون رئیس جمهوری افزود: البته ناپایداری هوا نیز در این مدت وجود داشته است و نباید آن را از نظر دور داشت، اما واقعیت این است که شرایط بهتری نسبت به سال گذشته داریم.ابنکار با تأکید بر این که سازمان حفاظت از محیط زیست کیفیت بزرین و هو را را به طور مرتب پایش می کند، گفت: تمامی اطلاعات ما مستند و دقیق موجود است و می توانیم آن را به هر مرجعی که خواست ارائه دهیم.

وی با بیان این که بر اساس مصوبه دولت تا پایان آذرماه در هشت شهر آلوده کشور باید بزرین یورو ۵ توزیع شود، اظهار امیدواری ادامه دارد.

معاون رئیس جمهوری افزود: قنات یک میراث جهانی کشاورزی است که سازگار با محیط زیست و در تعادل با محیط زیست عمل می کند.

وی افزود: خوشبختانه با تلاش تمامی دست اندازان کار و کارکنان و همکاری خوب سازمان های بین المللی در یک گروه ۳۰ نفره که در محل قانو تشکیل شده بود و بازدیدهای میدانی در ایران و

مقناضاج وادج شرایط دعوت به عمل می آید تا ضمن مراجعه به دبیرخانه شرکت و دریافت اسناد مناصه، حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۱۳۹۳/۴/۱۷ نسبت به ارائه پیشنهاد خود به نشانی: تهران – میدان آرژانتین- خیابان احمد قاضی، خیابان هفدهم (شهیدبهبزادشوق)، پلاک ۱۲۱ اقدام نمایند.

**شرکت سیمان ساهو (سهامی عام)**

**شرکت سیمان ساهو (سهامی عام)**

# «آگهی مناقصه»

**شرکت سیمان ساهو**(سهامی عام) در نظر دارد مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات سیمان خاکستری و سیمان سفید خود را به شرح زیر ازطریق مناقصه عمومی خریداری نماید.

۱-سنگ سیلیس کلوخ و یاریزدانه به مقدار ۶۰/۰۰۰ تن
۲-سنگ آهک کلوخ به مقدار ۸۰/۰۰۰ تن
۳-سنگ گچ کلوخ به مقدار ۲۰۰۰۰ تن

از متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می آید تا ضمن مراجعه به دبیرخانه شرکت و دریافت اسناد مناصه، حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۱۳۹۳/۴/۱۷ نسبت به ارائه پیشنهاد خود به نشانی: تهران – میدان آرژانتین- خیابان احمد قاضی، خیابان هفدهم (شهیدبهبزادشوق)، پلاک ۱۲۱ اقدام نمایند.

**شرکت سیمان ساهو (سهامی عام)**

**روزنامه کثیرالانتشار:** روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعاته‌ها و آگهی‌های ناشر در آن منتشر می‌شود روزنامه‌های اطلاعات و نسل فردا می‌باشند. همچنین اعلامیهٔ مذکور در روزنامه‌های دنیای اقتصاد و جمهوری (بر اساس مفاد مادهٔ۱۷۷ لایحهٔ اصلاحی قسمتی از قانون تجارت) نیز منتشر می‌گردد.

**(۲۵) چگونگی پذیرهنویسی:**

با توجه به پذیرش این شرکت در بورس اوراق بهادار تهران ، این سهام از طریق سامانه معاملات بورس اوراق بهادار تهران به فروش می‌رسد. ضمناً سهامدارانی که حق تقدم فوق را خریداری می‌نمایند، می‌بایست علاوه بر مبلغ پرداختی بابت حق تقدم، مبلغ اسمی هر سهم را نیز به کارگزار مربوطه بپردازند. وجوه متعلق به پذیرهنویسانی که سهامی به ایشان تخصیص داده نشود، حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ صدور مجوز استفاده از موجودی حساب بانکی به آنان مسترد خواهد شد.

**(۲۶) کلیه اطلاعات و مدارک مربوط به شرکت شامل:** اساسنامه، طرح اعلامیهٔ پذیرهنویسی و آخرین صورت‌های مالی به ادارهٔ ثبت شرکت‌های اصفهان تسلیم شده‌است. همچنین گزارش توجیهی هیئت مدیره در خصوص افزایش سرمایه، گزارش بازرس قانونی و بیانهٔ ثبت سهام در دست انتشار در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.goltashsaham.com وسایت رسمی ناشران اوراق بهادار به آدرس www.Codalir.ir در دسترس علاقه‌مندان می‌باشد.

**(۲۷) مشخصات سهامداران:** مشخصات سهامداران بالای ۱۰ درصد به شرح ذیل می‌باشد:

نام سهامدار	نوع شخصیت حقوقی	تعداد سهام	درصد مالکیت
شرکت مدیریت صنعت شوینده توسعه صنایع بهشهر	سهامی خاص	۷۵,۷۷۸,۶۲۴	۸۴/۲

**(۲۸) نحوهٔ عمل در صورت عدم تکمیل پذیرهنویسی سهام شرکت:** شرکت مدیریت صنعت شوینده توسعه صنایع بهشهر (سهامی خاص) متعهد شده حداکثر در پنج روز پایانی مهلت عرضه عمومی نسبت به خرید کلیه سهام پذیرهنویسی نشده اقدام نماید .

**نکات مهم:**

- \* مسئولیت صحت و قابلیت اتکای اطلاعات اعلامیهٔ پذیرهنویسی بر عهدهٔ ناشر است.
- \* ناشر، شرکت تأمین سرمایه، حسابرس، ارزشیابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارت وارده به سرمایه‌گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائهٔ اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضهٔ اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آنها باشد، متضرر گردیده‌اند.
- \* ثبت اوراق بهادار نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، به منظور حصول اطمینان از رعایت مقررات قانونی و مصوبات سازمان بورس و اوراق بهادار و شفافیت اطلاعاتی بوده و به منزلهٔ تأیید مزایا، تضمین سودآوری و یا توصیه و سفارشی درمورد شرکت‌ها یا طرح‌های مرتبط با اوراق بهادار توسط سازمان نمی‌باشد.
- \* پذیرهنویسان می‌توانند در صورت مشاهده هر گونه تخلف از موارد یاد شده در این اعلامیه مراتب را کتبا به سازمان بورس و اوراق بهادار به آدرس زیر ارسال نمایند.
- تهران – ابتدای خیابان ملاصدرا – شمارهٔ ۱۳ سازمان بورس و اوراق بهادار – ادارهٔ نظارت بر انتشار و ثبت اوراق بهادار سرمایه‌ای

### هیئت مدیره شرکت گلکش

چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۹۲ - ۲۷ شعبان ۱۴۳۵ - ۲۵ ذوئن ۱۴۰۴ - شماره ۵۵۹۰۵

نفت، طلا، سکه و ااورز
<b>بازار جهانی</b>
<b>هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)</b>
<b>هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)</b>
<b>هر بشکه طلا اوبی</b>
<b>هر اونس (۳۷/۱ گرم) طلا</b>
<b>بازار داخلی</b>
<b>سکه طار طرح قدیم (به وزن ۱۳/۸ گرم)</b>
<b>سکه طار طرح جدید (به وزن ۱۳/۸ گرم)</b>
<b>نیم سکه طلا (به وزن ۶/۷ گرم)</b>
<b>ربع سکه طلا (به وزن ۲/۷ گرم)</b>
<b>سکه یک گرمی</b>
<b>هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مژد ساخت)</b>
<b>هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)</b>
<b>دلار آمریکا(نرخ بانکی)</b>
<b>دلار آمریکا(نرخ غیر بانکی)</b>
<b>یورو(نرخ بانکی)</b>
<b>یورو(نرخ غیر بانکی)</b>
<b>یونان(نرخ بانکی)</b>
<b>یونان(نرخ غیر بانکی)</b>
<b>درهم امارات (نرخ بانکی)</b>
<b>درهم امارات (نرخ غیر بانکی)</b>

### پارانه ۸۰میلیارد دلاری سوخت تهدیدی برای اقتصاد کشور است

۸۰میلیارد دلار پارانه سوخت تهدیدی برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود.در این حال کابین قلمی پارانه می تواند به فتنه صهیونی‌ها برای کار تبدیل شود. مهندس بیژن اسمدار زنگنه وزیر نفت دیروز در آیین افتتاحیه هفدهمین اجلاس هیات عمومی سازمان نظام مهندسی کشور با بیان این مطلب افزود: با بخش های مختلف از جمله حمل و نقل عمومی و راه آهن توافقاتی صورت گرفته که بر اساس آن ارزش انرژی صرفه جویی شده در این بخش ها به ازای هر مسافر و یار به بخش مربوطه پرداخت شود.

وی افزود: بیشترین اتلاف انرژی پس از نیروگاه ها حمل و نقل و کشاورزی در حوزه ساختمان است که نه تنها در بهره برداری بلکه در ساخت و ساز هم به چشم می خورد.وی افزود: کشور ما بیش از ۲ میلیون روستا وجود دارد که گاز سوز هستند و با پروازهای صورت گرفته می توان با تغییراتی مصرف انرژی آنها را تا ۳۰ درصد کاهش داد.این کاهش مصرف به ازای هر مترمربع ۵۰۰ تومان خریداری خواهد شد و ملاک این صرفه جویی قیوض خواهد بود که در این صورت شرکت های تاسیساتی که فعالیت های آنها در بخش نرم افزاری بهینه سازی مصرف انرژی است، نقش کلیدی خواهند داشت.

زنگنه گفت: در ساخت و ساز هم می توان به گونه ای عمل کرد که صرفه جویی اتفاق افتد که نیازمند بررسی از سوی کار گروه ای تخصصی است.

خبر دیگری حاکیست: وی همچنین اشاره به احتمال کشف میادین جدید نفت و در مناطق غرب و شمال غرب کشور گفت: هنوز عملیات اکتشاف این مناطق در مرحله ای نیست که بتوان نتایج آن را به صورت رسمی اعلام کرد. وزیر نفت در مورد آخرین اکتشاف های نفت و گاز ادامه داد: تاکنون افاق های جدیدی در منابع نفتی و در استانهای گلستان، خراسان شرقی و خراسان شمالی، مناطق مری مانند شهرستان قصر شیرین پیدا شده و به نظر می رسد امیدهای در این زمینه وجود داشته باشد، اما این منابع از نظر عملیات اکتشاف در مرحله ای نیستند که بتوان به صورت رسمی اعلام کرد. زیرا باید چاه های اکتشافی در این مناطق حفاری شود.

دکتر عباس آخوندی وزیر راه و شهر سازی هم اجلاس هیات عمومی سازمان نظام مهندسی گفت: قانون نظام مهندسی در نحوه نگاه به اجرا مشکل دارد که این امر برای مهندسی ایران چالش های را بوجود آورده است. از جمله مشکلات ما این است که شهرداری ها برای تأمین منابع مالی خود اقدام به فروش منابع و منافع آن شهروندان می کنند که این امر منجر به بی انضباطی در امور شهری شده است.محمد باقر قالیباف شهردار تهران هم در این مراسم با تأکید بر این که بدون صدور پروانه ساختمانی هم توانایی اداره شهر را دارم، افزود: آماده هستم با ابلاغ وزارت راه و شهر سازی، حتی یک پروانه ساختمانی مشکونی هم صادر نکنیم، به شرطی که بعداً نگذیند تصمیم قالیباف یک تصمیم سیاسی بود و این تصمیم بحران ایجاد نمی‌کند.

<b>آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت خدمات بهداشتی و درمانی صنایع اصفهان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۷۶۴۱</b>
جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت خدمات بهداشتی و درمانی صنایع اصفهان (سهامی خاص) در ساعت ۱۵ روز پنجشنبه مورخ ۱۹ تیرماه ۱۳۹۲ در دفتر مرکزی شرکت واقع در اصفهان – بلوار شهدای شهید شاکل خواهد شد، لذا از عموم سهامداران محترم دعوت می‌شود اسر ساعت و تاریخ مذکور در جلسه حضور یافته و یا نمایند خود را کتبا به مجمع معرفی نمایند.
<b>دستور جلسه:</b>
۱- استماع گزارش هیأت مدیره و بازرسان قانونی و تصویب ترازنامه سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
۲- انتخاب بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت
۳- انتخاب روزنامه گولتاش انتشار
۴- تصمیم‌گیری در خصوص سود عملیاتی سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
۵- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع می‌باشد.

## اعلامیه پذیرهنویسی سهام شرکت گلکش (سهامی عام) ثبت شده به شمارهٔ ۳۶۰۱

به اطلاع می‌رساند به استناد مصوبهٔ مجمع عمومی فوق‌العاده ۲۴ بهمن ۱۳۹۲ و مجوز شمارهٔ ۱۲۱/۲۴۹۳۲۷ مورخ ۱۰/۰۷/۱۳۹۲۱۱ سازمان بورس و اوراق بهادار مقرر گردید سرمایهٔ ثبت از مبلغ ۹۰ میلیارد ریال به مبلغ ۲۰۰ میلیارد ریال افزایش یابد. در مهلت تعیین شده جهت استفاده از حق تقدم خرید سهام، تعداد ۳۳۴٬۰۹۹۲۵ سهم از سهام جدید توسط سهامداران شرکت پذیرهنویسی گردیده است. با عنایت به انقضای مهلت استفاده از حق تقدم مذکور و به منظور تحقق افزایش سرمایه، تعداد ۷۴٬۶۷۶ سهم ۱۰۰ ریالی استفاده نشدهٔ سهامداران برای پذیرهنویسی عمومی با عنایت به مجوز شمارهٔ ۹۱۵/۲۸۵۰۰۴۰۲۰۱۳۹۳۰۲۰۱۲۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۴ ادارهٔ ثبت شرکتها به‌شرح زیر عرضه می‌گردد:

### موضوع فعالیت شرکت:

**الف: موضوعات اصلی**

تولید و تهیه انواع مواد و محصولات شوینده پاک کننده بهداشتی و آرایشی و مواد صنعتی مرتبط
انجام کلیه امور خدمات بازرگانی موضوع شرکت و نیز انجام امور صادرات و واردات کالاهای موضوع شرکت
**ب: موضوعات فرعی**
انجام کلیه امور به نحویکه با موضوع شرکت ارتباط داشته باشندو در چهارچوب قوانین و مقررات موضوع کشور جمهوری اسلامی بوده و مفید و نافع باشد .

سرمایه‌گذاری در سایر شرکتها و ایجاد شرکتهای جدید

انجام امور مربوط به تأمین مالی در چهارچوب قوانین و مقررات مربوطه و در جهت منافع شرکت

انجام خدمات فنی و آزمایشگاهی

**(۲) مرکز اصلی و نشانی شعب شرکت و کد پستی:**

**مرکز اصلی:** اصفهان – شهرک صنعتی جاده – خیابان هفتم – فاز اول – پلاک ۱۶ کدپستی ۸۴۸۶۱۳۴۱۹۱
**شعبه:** تهران – بزرگراه فتح (بزرگراه قدیم کرچ) – شرکت پاکسان کدپستی ۱۳۸۶۳۸۴۱
**شعبه ۲: شرکت شرکت:** تهران – ۹۰۰ خیابان ریال،

**(۴) موضوع افزایش سرمایه:** اصلاح ساختار مالی و تأمین سرمایه در گردش ،

**(۵) محل افزایش سرمایه:** افزایش سرمایه شرکت از محل مطالبات حال شده سهامداران و آورده نقدی می باشد.

**(۶) مبلغ افزایش سرمایه:** ۱۱۰ میلیارد ریال،

**(۷) مبلغ سرمایه پس از افزایش:** ۲۰۰ میلیارد ریال

**(۸) مدت شرکت:** نامحدود

**(۹) نوع سهام:** عادی با نام

**(۱۰) ارزش اسمی هر سهم:** هزار ریال،

**(۱۱) تعداد مشارکت شده توسط سهامداران شرکت:** ۹۰۹۹۲۵۰۳۳۴٫۰۰۰ ریال.

**(۱۲) تعداد سهام قابل عرضه به عموم:** ۷۴۶۷۶ سهم،

**(۱۳) مشخصات اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت:**

به پذیره نویسی بر عهده ناشر است.

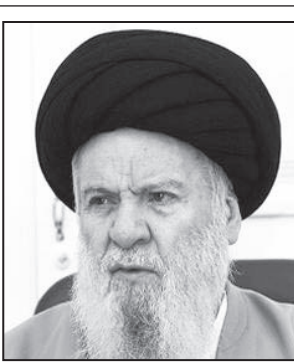
شیابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارت وارده به  
تخلف و یا به دلیل ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضه اولیه که  
اند.

به منظور حصول اطمینان از رعایت مقررات قانونی و مصوبات سازمان









## پیام آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی به همایش «نگاهی دوباره به آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید بهشتی»

**بسم الله الرحمن الرحيم و لا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله اموا تا بل احياء عند ربهم یقرؤن** (آل عمران: ۱۶۹)

خدای منان را بر این نعمت شاکرم که به دوستان من در دانشگاه مفید توقیف بر گزارای این مجلس ارزشمند را عطا فرمود تا یاد مردی را بزرگ دارند که از حسنات دهر بود. مرحوم آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی (قدس الله نفسه) بزرگ‌مردی بود که مواهب الهی در وجود او ظاهر شده و صفات برجستهٔ انسانی در ظاهر و باطنش جمع شده بود.

او هوش سرشار و استعداد و فهم عمیق را با ساختگوشی و پشتکار آمیخته و مطالعات عمیق و تحصیل دقیق علوم و معارف اسلامی را با آشنایی با دنیای جدید و معارف دیگر مکاتب و مذاهب قرن ساخته بود. فنون مختلفه معقول از فلسفه و کلام و عرفان را با فقه و حدیث و تفسیر به خوبی آموخته بود و در حد کمال می دانست. تاریخ گذشته را نیز خوب مطالعه کرده بود و نیاز امروز را خوب می‌شناخت.

مدیریتی لایق و مدبر و سیاستمداری هوشمند و باریک‌بین و عمل گرایی آرمان‌خواه و واقع‌بین بود و این اوصاف از او اسلام‌شناسی مجتهد، متفعل، زمان‌شناس، درداشتن، خلاق، پویا و اصیل ساخته بود. همهٔ آثار و کمالات در کنار اعتدال، منات و ثبات قدم و شجاعت، بهشتی را مرد آرمانی اسلام و ایران ساخته بود و چنان که به یاد داریم، نقشی بی‌بدیل برای او در طلیعهٔ جمهوری اسلامی رقم زد.

ولی آن فقید علاوه بر اینها، معلمی آگاه و مربی موفقی هم بود و چه در عرصهٔ تعلیم و تربیت طلاب در حوزهٔ علمیه، و چه در مدارس جدید و در کار تربیت نسل جوان، و چه در مقام تبلیغ اسلام و تشیع در اروپا و توفیقات شایانی یافت و خدمات ارزشمندی را ارائه کرد.

در کنار این ویژگیها در اینست که او محبت‌ها و صفای او یادی نکنم. دوستی، مجالست و مصاحبت با معتمد بود و روح پرور، صدق و اخلاص او درس آموز بود و جانفزا، تمهد و تقوای او مثال‌زدنی بود و آرامش بخش و یکدلی و صفای او مرکز ذل لوح ضمیر زدوئی نیست. همراه و هم‌زمی که دردها و نیازهای جامعه را می‌فهمید و با جدیت به دنبال درمان آنها می‌گشت. همکار و همفکری که نه تعصب داشت، نه شیفنگی عاری از عبق، نه کینه‌پرست بود و نه نژد، نه افراط داشت و نه تقریط.

این جانب از همهٔ تعداد کاران این همایش قدردانی می‌کنم و امیدوارم خدای سبحان توقیف بر گزارای چنین مجالس و اجرای چنین برنامه‌هایی را پیش از این به ما عنایت فرماید. معرفی راه و رسم و راستگاری چون بهشتی در روزگار و شرایط جامعه و فرهنگ ما ضرورتی انکار‌ناپذیر است.

امروز جوانان و دانشجویان و طلاب ما به الگوهای چون بهشتی سخت محتاجند و دین‌شناسی و مطالعات اسلامی و فلسفه و فقه با الگوی اربسی کارساز و ثمربخش است.

امروز سلوک اجتماعی و سیاسی بهشتی نمونه‌ای روشن و متین از سیاست‌های خروزی اسلامی پیش روی ما می‌نهد. سیاستی عاری از جعود، خودکامگی، ارتجاع، وادادگی و وابستگی و آکنده از هوشمندی، عقلانیت، اعتدال، آرمان‌خواهی، عدالت‌طلبی و آزادی.

امید آن دارم که همهٔ علاقه‌مندان به اعتلا و مساعادت ایران و همهٔ کوشندگان در راه تحقق اهداف متعالی اسلام، این الگوهای گرانقدر را بیشتر بشناسند و به نسل جفتانگ امروز معرفی شود. به یاد داشته باشید که این سال که یک جشنوارن از رفیق شقیق می‌گذرد، دکتر جمیل او را گرامی می‌دارم و برایش از حضرت حق رحمت و رضوان طلب می‌کنم و توقیف همهٔ یاران و شاگردان و فرزندان وی را مستلزم دارم.

عبدالکریم موسوی اردبیلی

۱۱ اسفند ۱۳۹۰

✽✽✽

**خاطره آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی از شهید بهشتی**

از نظر اخلاقی و روحی، جهات مثبت و برجستگی‌های ویژه

داشت. مصنف بود، در کاری که با حرکت دیگران انجام داده بود، سهم خود را کم و سهم دیگران را مهم و قابل توجه می‌دانست، هیچ‌گاه نشد که کار دیگران را به خود نسبت دهد یا تلاش دیگران را نادیده بگیرد. حتی با کسی که با او غیر مصداق و طالعانه رفتار کرده بود، با انصاف و عدل برخورد می‌کرد. این صفاتی که از انشخصایی بود که بی‌پایا و دشمنی می‌ورزید؛ چون او را رقیب خود و خود را رقیب او می‌دانست، می‌رحمانه‌وار می‌گوید.

درحالی‌که او پس از انتخاب بنی‌صدر به ریاست‌جمهوری به حضرت امام پیشنهاد کرد که فرماندهی کل قوا را به او بدهد (چون معتقد بود که در رئیس‌جمهور قوای مسلح را در اختیار نداشته باشد، می‌تواند توافقی ریاست‌جمهوری را در دست انجام دهد). البته حضرت امام تأمل داشت که این کار را بکند یا نه. شهید بهشتی پیشنهاد کرد، اصراً ورزید و دوستان دیگر هم تأیید کردند تا سرانجام قبول کرد و فرماندهی کل قوا را به او تفویض کرد.

غیر از این، در چند مورد دیگر هم مرحوم شهید بهشتی به کمک و مساعدت بنی‌صدر شتافت و او با بدترین دشمنی‌ها را با بهشتی کرد. در جریان تصویب پلیس قضایی یا صراحت‌مخالفت می‌کرد و می‌گفت: «قصد بهشتی از ایجاد پلیس قضایی این است که نیروی مسلح را در اختیار داشته باشد؛ پس از قوت آیت‌الله طالقانی، ورزی بنی‌صدر که از توفان تلافی باز نگشته بود، در مجلسی با خنده و تمسخر گفت: «هالی آن شهر شمار می‌داند و می‌گفتند: بهشتی، طالقانی را تو کشتی!» همه‌ها مجلس آن را توپین نازحت‌اندند.

وقتی که بنی‌صدر به فکر فرار افتاد و در مخفیگاهی پنهان شد، نیروهای انقلاب در پی بنی‌صدر می‌گشتند و خانم بنی‌صدر را با خانم سوادبه سدیفی گرفتند و به مرحوم بهشتی هم داده‌اند که «تا بنی‌صدر را بر خرافات دیگران، اکنون بنی‌صدر هم جانش، خود را خاتم می‌کند.» با وجود آن همه سوابق، مرحوم بهشتی سخت بر آشفت و گفت: «ما حق نداریم یک زن را تسلیم کنیم، در حالی که هیچ تقصیری ندارد! الان اینکه زن بنی‌صدر است و شوهرش به خاطر خیانت به کشور تحت تعقیب است» و دستور داد که قورا او را آزاد کنند.

هم‌گرا بود و از کاری که برای مردم قابل هضم نبود، حذر می‌کرد و می‌گفت: «با برخلاف افکار عمومی کار نشود، یا تلاش کنیم مردم را در جریان کارها قرار دهیم و تحریر عواطف نکنیم. باید مردم ملتبه نباشند، هر چند که اعتراض نکنند.»

**منبع:** بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

## میدان‌های کتابی

## نگاهی دوباره

**بازخوانی اندیشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی گردآوری و تدوین: مرکز مطالعات قرآن دانشگاه مفید و بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی**

**ناشر: انتشارات دانشگاه مفید**

**چاپ اول: ۱۳۹۲**

**۵۷۶ ص - ۲۵۰۰۰ تومان**

شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی برای ما ایرانیان نامی آشناست و تلاش مستمر وی برای به نمر نشستن نهضت اسلامی و کوششهای وی و فقهارش برای بنیان جمهوری اسلامی مشهور و مشهود است. اما آنچه از این شخصیت برجسته و تاثیر گذار تاریخ معاصر کمتر شناخته شده اند، اندیشه‌های ژرف و تابناکی است که به شکلی نظام‌مند در زمینه‌های گوناگون اثر کرده است.

از سال ۱۳۸۷ و تا به توج به نزدیکی امین سالگرد فقدان شاخص‌های انقلاب اسلامی،

## از حسنات دهر

**اشاره:** فلاسفه سیاسی کوشیده‌اند مولفه‌های یک جامعه به‌همان‌ارایا ارائه‌اصول عدالت بیان کنند. در جهت نیل به این هدف آرای متنوع و گوناگونی از عدالت ارائه شده‌است که متأثر از بینشهای متفاوت فلسفه اخلاقی است که هر یک از این آرایا بر این استوار شده‌اند. این مقاله می‌کوشد تا نسبت آرای شهید بهشتی را با نظر به‌های عدالت تعیین کند و مدعی استخراج اصول عدالت از نظر ایشان نیست. به این منظور تلاش می‌کنند با نظرخوانی آرای ایشان در بستر نظریه‌های عدالت، به ویژه جان رالز، چارچوبی مقدماتی را برای مطالعه اصول عدالت از منظر آن شهید فراهم آورد. این مقاله از کتاب «دوباره!» بر داشته شده‌است.

**مقدمه**

«عدالت چیست؟ این پرسشی است که سقراط در کتاب جمهوری افلاطون مطرح می‌کند. و از آن زمان تاکنون یکی از مسائل اصلی فلسفه و همهٔ متفکران اجتماعی بوده است. از نظر افلاطون و در نیاور، ارسطو، عدالت، در عام‌ترین معنای آن، فضیلت ذاتی است؛ عصارهٔ همهٔ فضیلت‌ها، و مهم‌ترین فضیلت برای «حیوانات اجتماعی» که از نظر ما انسانها هستیم – که باید یکدیگر به اجتماعات بیش از پیش بزرگتر، شهرها، و ملت ـ دولتها زندگی می‌کنیم؛ اما حتی در جمهوری افلاطون، پاسخ به این پرسشی (یعنی تعریف «عدالت») در بهترین حالت پاسخی پر مناقشه است که ضوابط مشخصی را برای انتخابهای عادلانه یا غیر عادلانه، که در زندگی روزمره انجام می‌دهیم، ارائه نمی‌کند.

سقراط خطاب به مخاطبان گوناگون و در پاسخ آنها تفکها و پاسخهایی را طرح می‌کند، مثل اینکه «عدالت عبارت از اد کردن بد و گرفتن دین هر کس است»، ولی سقراط پس از رد کردن چنین پاسخیهای صرفاً متعارف و پیوندخورده به زمینه بحث، به‌هیچ‌و‌ه‌ه تعریف مشخص و روشنی را مطرح نمی‌کند. که تیراندختن حتی یک ضابطه ارائه کند که عدالت را در بسترها و زمینه‌های گوناگون توضیح دهد. او در کتاب چهارم جمهوری می‌گوید که عدالت عبارت است از اینکه هر کس کار خود را انجام دهد» (هر فردی نقش درست خود را در اجتماع ایفا کند)، در حالی که به‌هیچ‌و‌جه روشن نیست چگونه باید این مطلب را به تصمیم‌ها و سیاستهای مشخص تبدیل کرد.

اما به ما گفته می‌شود که عدالت چه چیزی نیست. در یکی از گفتگوهای اولیه در کتاب جمهوری تئلیسوف تندخو، تراسیماخوس با استدلالی بدبینانه می‌گوید که عدالت همواره در خدمت منافع حاکمان جامعه است، به نفع قوی‌ترها است! اگر یک آدم معمولی باشید، با تلاش برای زندگی کردن مطابق با عدالت، تنها به آسیب می‌زنید. این فرض تکان‌دهنده را سقراط ابطال می‌کند، حق به درستی از صرف قدرت مشخص و متمایز می‌شود، و تراسیماخوس رنجیده‌خاطر و عصبانی جلسه را ترک می‌کند.

وقتی تراسیماخوس جای خود را ترک می‌کند، کلاتوکن جایش را می‌گیرد و او فرض معتدل‌تری را پیشنهاد می‌کند و آن این است که مردم به این دلیل به مینتاقایی که عدالت برقرار می‌کند پایبند می‌مانند که مجازات نشوند. سقراط این پیشنهاد را خیلی جدی‌تر می‌گیرد، ولی در نهایت تأکید می‌کند که عدالت صرفاً بحث نفع شخصی هم نیست. اما سپس سقراط بقیه مطالب جمهوری را مصروف مطالبی می‌کند و خواننده را از گردابی از ملاحظات فلسفی عبور می‌دهد و با تفکراتی درباره متمایزیکری و سرشت انسانی، با شناسی از آرمناهای سیاسی یونان باستان، جمهوری‌خواهی نسبتاً افراطی خود را ارائه می‌کند تا نشان دهد که عدالت را باید به خاطر خود عدالت مطلوب دانست، اینکه عدالت هماهنگی در روح است آن گونه که هماهنگی در دولت است، اینکه عدالت قاعده عقل است و سرانجام، اینکه عدالت حتی در انتها از آنچه به می‌دهد، چون یک انسان عادل سرانجام می‌تواند از نتیجه (یا حداقل روح) خود محبتناز می‌ورزد.

ولی آنچه از این مباحث انتظار داشتیم بگیریم

✽✽✽

**✽ از نظر شهید بهشتی عدالت، حقی است الهی و نه قراردادی و نسبی. خدا هستی را بر مبنای عدالت آفریده و روابط اجتماعی ظالمانه، نقض قواعد الهی است؛ از این رو دارای تبعیاتی است. حق یک واقعیت عینی است که پویاییهای خود را داراست و این پویایی از قانون ثابتی تبعیت نمی‌کند**

✽✽✽

و نمی‌گیریم، یک ضابطهٔ کلی برای ارزیابی این یا آن ترتیبات یا قواعد اجتماعی است و اینکه چه نوع ملاحظاتایی را باید در نظر گرفت. افلاطون به ما می‌گوید که مسئولیت باید مطابق با توانایی و موقف «در محوّل شود، ولی دربارهٔ توزیع ثروت در جامعهٔ چطور؟ افلاطون در مقام دستنگونی معضلهٔ سخن از پول و بازار را فراموش می‌نشدست و مطالب اندکی دربارهٔ آنها بیان کرد. اینکه کالاها چگونه باید در جامعه توزیع شوند، برای فقر چه باید کرد و چقدر باید به یک پزشک، یک نظامی یا تاجر پرداخت، آنچه سقراط به ما عهده می‌دهد معیاری برای عدالت است؛ آنچه از استدلال‌های او دریافت می‌کنیم، یک استعارهٔ استعاره‌اندیشه‌آلود است.

اما از آن به بعد تا ۱۹۷۱، سال انتشار نظریه‌ای در باب عدالت جان رالز، مباحث گسترده‌ای که دربارهٔ عدالت بحث و بررسی شد، نو چنان بود. این دوران را می‌توانیم به پرسش عدالت چیست؟ «دعوتی است به اتزاعی تر تفکر فلسفی، جامعهٔ خوب (یا بهترین جامعه) چیست؟ چیست چه چیزی که یک دولت مشروطیت می‌دهد؟ هدف خداوند از خلق انسان چیست؟ اینکه ما چه موجوداتی باشیم؟ رابطهٔ اساسی ما با سایر هیئو عناما چیست، و ما چه تعاهلی نسبت به یکدیگر داریم؟ عموماً این تعهدات از یکبار سرچشمه می‌گردند از سوی دیگر، پرسش «عدالت چیست؟» توجه ما را معطوف به مسائل مشخص عصر ما می‌کند؛ آیا عادلانه است که مردم فقیر در مجاورت مردم دگرتری وجود داشته باشند که هر چه در تمام عمر شان خرج کنند، همچنان ثروتمند بای بمانند؟ ما اندک با مصافحه‌ای که به افرا دستخوش یکسپار مسعد است کمتر از لیاقت آنها پرداخت شود، در حالی که دیگری هستند که به خاطر ثروت، در ثروت و قدرت رشد می‌دهد. پیوسته به فروتنان افروده می‌شود، بدون آنکه کاری به انجام رسانده باشند یا معاضدتی به تولید اجتماعی

داشته باشند؟ آیا باید از ثروتمندان مالیات گرفت و به فقرا پرداخت کرد؟ آیا باید مالیات بر درآمد حاصل از تلاش، نبل به این هدف آرای متنوع و گوناگونی از عدالت ارائه شد.است که متأثر از بینشهای متفاوت فلسفه اخلاقی است که هر یک از این آرایا بر این استوار شده‌اند. این مقاله می‌کوشد تا نسبت آرای شهید بهشتی را با نظر به‌های عدالت تعیین کند و مدعی استخراج اصول عدالت از نظر ایشان نیست. به این منظور تلاش می‌کنند با نظرخوانی آرای ایشان در بستر نظریه‌های عدالت، به ویژه جان رالز، چارچوبی مقدماتی را برای مطالعه اصول عدالت از منظر آن شهید فراهم آورد. این مقاله از کتاب «دوباره!» بر داشته شده‌است.

**مقدمه**

«عدالت چیست؟ این پرسشی است که سقراط در کتاب جمهوری افلاطون مطرح می‌کند. و از آن زمان تاکنون یکی از مسائل اصلی فلسفه و همهٔ متفکران اجتماعی بوده است. از نظر افلاطون و در نیاور، ارسطو، عدالت، در عام‌ترین معنای آن، فضیلت ذاتی است؛ عصارهٔ همهٔ فضیلت‌ها، و مهم‌ترین فضیلت برای «حیوانات اجتماعی» که از نظر ما انسانها هستیم – که باید یکدیگر به اجتماعات بیش از پیش بزرگتر، شهرها، و ملت ـ دولتها زندگی می‌کنیم؛ اما حتی در جمهوری افلاطون، پاسخ به این پرسشی (یعنی تعریف «عدالت») در بهترین حالت پاسخی پر مناقشه است که ضوابط مشخصی را برای انتخابهای عادلانه یا غیر عادلانه، که در زندگی روزمره انجام می‌دهیم، ارائه نمی‌کند.

سقراط خطاب به مخاطبان گوناگون و در پاسخ آنها تفکها و پاسخهایی را طرح می‌کند، مثل اینکه «عدالت عبارت از اد کردن بد و گرفتن دین هر کس است»، ولی سقراط پس از رد کردن چنین پاسخیهای صرفاً متعارف و پیوندخورده به زمینه بحث، به‌هیچ‌و‌ه‌ه تعریف مشخص و روشنی را مطرح نمی‌کند. که تیراندختن حتی یک ضابطه ارائه کند که عدالت را در بسترها و زمینه‌های گوناگون توضیح دهد. او در کتاب چهارم جمهوری می‌گوید که عدالت عبارت است از اینکه هر کس کار خود را انجام دهد» (هر فردی نقش درست خود را در اجتماع ایفا کند)، در حالی که به‌هیچ‌و‌جه روشن نیست چگونه باید این مطلب را به تصمیم‌ها و سیاستهای مشخص تبدیل کرد.

اما به ما گفته می‌شود که عدالت چه چیزی نیست. در یکی از گفتگوهای اولیه در کتاب جمهوری تئلیسوف تندخو، تراسیماخوس با استدلالی بدبینانه می‌گوید که عدالت همواره در خدمت منافع حاکمان جامعه است، به نفع قوی‌ترها است! اگر یک آدم معمولی باشید، با تلاش برای زندگی کردن مطابق با عدالت، تنها به آسیب می‌زنید. این فرض تکان‌دهنده را سقراط ابطال می‌کند، حق به درستی از صرف قدرت مشخص و متمایز می‌شود، و تراسیماخوس رنجیده‌خاطر و عصبانی جلسه را ترک می‌کند.

وقتی تراسیماخوس جای خود را ترک می‌کند، کلاتوکن جایش را می‌گیرد و او فرض معتدل‌تری را پیشنهاد می‌کند و آن این است که مردم به این دلیل به مینتاقایی که عدالت برقرار می‌کند پایبند می‌مانند که مجازات نشوند. سقراط این پیشنهاد را خیلی جدی‌تر می‌گیرد، ولی در نهایت تأکید می‌کند که عدالت صرفاً بحث نفع شخصی هم نیست. اما سپس سقراط بقیه مطالب جمهوری را مصروف مطالبی می‌کند و خواننده را از گردابی از ملاحظات فلسفی عبور می‌دهد و با تفکراتی درباره متمایزیکری و سرشت انسانی، با شناسی از آرمناهای سیاسی یونان باستان، جمهوری‌خواهی نسبتاً افراطی خود را ارائه می‌کند تا نشان دهد که عدالت را باید به خاطر خود عدالت مطلوب دانست، اینکه عدالت هماهنگی در روح است آن گونه که هماهنگی در دولت است، اینکه عدالت قاعده عقل است و سرانجام، اینکه عدالت حتی در انتها از آنچه به می‌دهد، چون یک انسان عادل سرانجام می‌تواند از نتیجه (یا حداقل روح) خود محبتناز می‌ورزد.

ولی آنچه از این مباحث انتظار داشتیم بگیریم

و نمی‌گیریم، یک ضابطهٔ کلی برای ارزیابی این یا آن ترتیبات یا قواعد اجتماعی است و اینکه چه نوع ملاحظاتایی را باید در نظر گرفت. افلاطون به ما می‌گوید که مسئولیت باید مطابق با توانایی و موقف «در محوّل شود، ولی دربارهٔ توزیع ثروت در جامعهٔ چطور؟ افلاطون در مقام دستنگونی معضلهٔ سخن از پول و بازار را فراموش می‌نشدست و مطالب اندکی دربارهٔ آنها بیان کرد. اینکه کالاها چگونه باید در جامعه توزیع شوند، برای فقر چه باید کرد و چقدر باید به یک پزشک، یک نظامی یا تاجر پرداخت، آنچه سقراط به ما عهده می‌دهد معیاری برای عدالت است؛ آنچه از استدلال‌های او دریافت می‌کنیم، یک استعارهٔ استعاره‌اندیشه‌آلود است.

اما از آن به بعد تا ۱۹۷۱، سال انتشار نظریه‌ای در باب عدالت جان رالز، مباحث گسترده‌ای که دربارهٔ عدالت بحث و بررسی شد، نو چنان بود. این دوران را می‌توانیم به پرسش عدالت چیست؟ «دعوتی است به اتزاعی تر تفکر فلسفی، جامعهٔ خوب (یا بهترین جامعه) چیست؟ چیست چه چیزی که یک دولت مشروطیت می‌دهد؟ هدف خداوند از خلق انسان چیست؟ اینکه ما چه موجوداتی باشیم؟ رابطهٔ اساسی ما با سایر هیئو عناما چیست، و ما چه تعاهلی نسبت به یکدیگر داریم؟ عموماً این تعهدات از یکبار سرچشمه می‌گردند از سوی دیگر، پرسش «عدالت چیست؟» توجه ما را معطوف به مسائل مشخص عصر ما می‌کند؛ آیا عادلانه است که مردم فقیر در مجاورت مردم دگرتری وجود داشته باشند که هر چه در تمام عمر شان خرج کنند، همچنان ثروتمند بای بمانند؟ ما اندک با مصافحه‌ای که به افرا دستخوش یکسپار مسعد است کمتر از لیاقت آنها پرداخت شود، در حالی که دیگری هستند که به خاطر ثروت، در ثروت و قدرت رشد می‌دهد. پیوسته به فروتنان افروده می‌شود، بدون آنکه کاری به انجام رسانده باشند یا معاضدتی به تولید اجتماعی

و نمی‌گیریم، یک ضابطهٔ کلی برای ارزیابی این یا آن ترتیبات یا قواعد اجتماعی است و اینکه چه نوع ملاحظاتایی را باید در نظر گرفت. افلاطون به ما می‌گوید که مسئولیت باید مطابق با توانایی و موقف «در محوّل شود، ولی دربارهٔ توزیع ثروت در جامعهٔ چطور؟ افلاطون در مقام دستنگونی معضلهٔ سخن از پول و بازار را فراموش می‌نشدست و مطالب اندکی دربارهٔ آنها بیان کرد. اینکه کالاها چگونه باید در جامعه توزیع شوند، برای فقر چه باید کرد و چقدر باید به یک پزشک، یک نظامی یا تاجر پرداخت، آنچه سقراط به ما عهده می‌دهد معیاری برای عدالت است؛ آنچه از استدلال‌های او دریافت می‌کنیم، یک استعارهٔ استعاره‌اندیشه‌آلود است.

اما از آن به بعد تا ۱۹۷۱، سال انتشار نظریه‌ای در باب عدالت جان رالز، مباحث گسترده‌ای که دربارهٔ عدالت بحث و بررسی شد، نو چنان بود. این دوران را می‌توانیم به پرسش عدالت چیست؟ «دعوتی است به اتزاعی تر تفکر فلسفی، جامعهٔ خوب (یا بهترین جامعه) چیست؟ چیست چه چیزی که یک دولت مشروطیت می‌دهد؟ هدف خداوند از خلق انسان چیست؟ اینکه ما چه موجوداتی باشیم؟ رابطهٔ اساسی ما با سایر هیئو عناما چیست، و ما چه تعاهلی نسبت به یکدیگر داریم؟ عموماً این تعهدات از یکبار سرچشمه می‌گردند از سوی دیگر، پرسش «عدالت چیست؟» توجه ما را معطوف به مسائل مشخص عصر ما می‌کند؛ آیا عادلانه است که مردم فقیر در مجاورت مردم دگرتری وجود داشته باشند که هر چه در تمام عمر شان خرج کنند، همچنان ثروتمند بای بمانند؟ ما اندک با مصافحه‌ای که به افرا دستخوش یکسپار مسعد است کمتر از لیاقت آنها پرداخت شود، در حالی که دیگری هستند که به خاطر ثروت، در ثروت و قدرت رشد می‌دهد. پیوسته به فروتنان افروده می‌شود، بدون آنکه کاری به انجام رسانده باشند یا معاضدتی به تولید اجتماعی

و نمی‌گیریم، یک ضابطهٔ کلی برای ارزیابی این یا آن ترتیبات یا قواعد اجتماعی است و اینکه چه نوع ملاحظاتایی را باید در نظر گرفت. افلاطون به ما می‌گوید که مسئولیت باید مطابق با توانایی و موقف «در محوّل شود، ولی دربارهٔ توزیع ثروت در جامعهٔ چطور؟ افلاطون در مقام دستنگونی معضلهٔ سخن از پول و بازار را فراموش می‌نشدست و مطالب اندکی دربارهٔ آنها بیان کرد. اینکه کالاها چگونه باید در جامعه توزیع شوند، برای فقر چه باید کرد و چقدر باید به یک پزشک، یک نظامی یا تاجر پرداخت، آنچه سقراط به ما عهده می‌دهد معیاری برای عدالت است؛ آنچه از استدلال‌های او دریافت می‌کنیم، یک استعارهٔ استعاره‌اندیشه‌آلود است.

در پیام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آمده است: «شهید دکتر بهشتی که یک روحانی تاثیر گذار در مجموعه‌های دانشگاهی و همچنین یک دانشگاهی به تمام معنا در حوزه‌های علمیه بود، مصداق واقعی و روشنگر دینی است که وجودش به همراه اندیشه‌ها و افکارش در زمانه افراط و تفریط، از ضرورت‌های نهادینه کردن اعتدال در جامعه است.

اطلاعات عمیق، کارآمد و عملگرانه از

## نظرها و اندیشه‌ها

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

**بعضی وجوه ماورای طبیعی عدالت از نظر شهید بهشتی**

چارچوب اندیشه عدالت در اسلام را می‌توان در نگاه شهید بهشتی با خطوط زیر ترسیم کرد:

# نسبت آرای شهید بهشتی

# با نظریه عدالت

**دکتر حسین راغفر**
**بخش اول**

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

**بعضی وجوه ماورای طبیعی عدالت از نظر شهید بهشتی**

چارچوب اندیشه عدالت در اسلام را می‌توان در نگاه شهید بهشتی با خطوط زیر ترسیم کرد:

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

بهشتی بررسی می‌کنیم که این وجوه، چهارچوبی برای اصول راهنمای عدالت و فراهم می‌آورند. سپس الزامات نهادی موردنیاز عدالت را بررسی خواهیم کرد. بخش آخر این مقاله نیز به جمع‌بندی آرای شهید بهشتی دربارهٔ عدالت اختصاص دارد.

انتخابگر به راه صلاح برود... هر جا انسان از انتخابگری بپنجد، دیگر انسان نیست؛ دیگر ارج انسانی او رعایت نشده است.» (همو، ۱۳۸۸: ۱۷۱)

**۵-فطرت معیاری برای در خیر و شر:** در عالم هستی و وقایع زندگی بشری، «یک سلسله معیارهای اصل برای خوب و بد و زشت و زیبا وجود دارد که اگر اصلا دینی هم در کار نبود، بشر هوشیار می‌توانست بفهمد مقداری از کارهای بد است؛ زشت است، ناپسند است و مقداری دیگر خوب است، زیباست، پسندیده و شایسته است.... این یکی از اصول اساسی اعتقاد به عدل است.» (همان: ۱۳۷۷)

فطرت حق دوست و حق پسند انسان یکی از قطب‌هاست و نه تمام قطب‌ها. کشش‌های فطری دیگر نیز وجود دارد. چون انسان موجودی یکدست نیست، انسان موجودی آمیخته است (دهر، ۲). در انسان کشش‌های فطری دیگر وجود دارند که در از او راح منحرف می‌کنند (همو، ۱۳۷۸: ۱۳۷). کسانیی که تحت تأثیر جاذبه نیرومند پول و ثروت قرار گیرند و در دوراهی حق و ضدق، به دلیل اصطکاک حق گرایی با ثروت گرایی و پول‌دوستی، از حق روری می‌گردانند و به با جمع‌بندی و تفر می‌روند (همان: ۱۴۶). ثروت گرایی عامل تکفر و انحراف از اسلام و حق و حق گرایی است.

**۶-رازهای فطری، ارزشهای عام و جهان‌شمول:**
آیا انسانها صرف‌نظر از اعتقادات و باورهایشان بخل و خودپاییی و خودنکسری، و جود و گذشت و ایثار و دگرگونی و دگرنوازی را ارزشهای یکسانی می‌دانند؟ آیا رشک و حسد و تنگنظری در برابر مهر و گشاده‌نظری و سعه صدر، یکسان ارزیابی می‌شوند؟ امانت و درستی، خیانت و نادرتی یکسان هستند؟ شجاعت و پندری، با جیس و زبونی و ذلت برابرند؟ و حتی دیگری برای درک حقیقت، به بسیاری از موارد انسانها قادر به تشخیص، محاسبه و جمع‌بندی نیستند. تیراندختن تنها منبعی که به دانای گذشته، حال و آینده و آشکار و نهان هستی می‌انجامد و متنبی و مرتبط می‌شود وحی است.

**۷-نظام اجتماعی مسئول حفظ عزت نفس انسانها:**
این را که چرا ظرفیتهای انسانی تحت فشارهای زندگی به فساد و تباهی می‌گراید، باید در جامعه بیمار جستجو کرد. این نکته که جامعه ناسالما، ناسالم تولید می‌کند، یکی از اصلی‌ترین منابع نقض نظم‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم توسط بسیاری از اندیشمندان اسلامی همچون سید قطب، علی شریعتی، مرتضی مطهری، و نیز شهید بهشتی بوده‌است. «جامعه‌ای که در آن گناه و فساد و تباهی و ظلم و ستم و عدوان رواج دارد، چنین جامعه‌ای محیط مساعدی برای رشد نقطه‌های تنها بشری و پزدمرگی نقطه‌های قوت و خیر بشری است.» (همان: ۱۷۰-۱۶۹)

جامعه‌ای که یا یک‌سوق قدرت انتخابگری انسان را از او سلب کند، و از سوی دیگر ارزشهای مادی و تجمل گرایی و ثروت گرایی را در وی ترغیب کند، انسانها را به فساد و تباهی می‌کشاند و انسان از انسانیت خارج

✽✽✽

**✽این نکته که جامعهٔ ناسالم، انسان ناسالم تولید می‌کند، یکی از اصلی‌ترین منابع نقد شهید بهشتی از نظامهای سرمایه‌داری و سوسیالیسم است؛ جامعه‌ای که در آن گناه و فساد و ستم رواج دارد، محیط مساعدی برای رشد نقاط ضعف بشری و پژمردگی نقاط قوت اوست**

✽✽✽

می‌شود و «در این حال، با حیوان بارکش و باریبری است که به او خوب می‌دهند بخورد، بپوشد، بپوشد، عیش و نوش کند، هرگز نمی‌کند، ولی خوب بار بکشد و خوب بار بدهد. اما دیگر انسان نیستند.» (هود۲۰) «اینجا هدف تازه‌یانه تبلیغات شهوت برانگیز انتخابگری‌اش را از دست می‌دهد، نه زیر ضرایب کشنده فقر و ناداری و ضرایب مهلک اقتصادی نظام اجتماعی اسلامی گذارند چنین ضرایبی بر روح او وارد شود تا انتخابگری از دستش گرفته نشود. در چنین حکومتی آوای حق در سرت به گوشش می‌رسد.

انسان اسلام، انسانی است که مناظر برانگیزندهٔ فطرت حق جویی و حق پرستی در برابر دید گانش فراوان به وجود می‌آید. انسانی است که در عین گناه راه فاسدشدن به روی او صدرصد بسته نمی‌شود، بلکه می‌تواند فاسد شود؛ چنان‌که ارزش انسان در از دست بوتاند فاسد شود، نمی‌شود. (همو، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۱۷۱) قرآن هدف و جهت نظام هستی و نظام آفرینش را فراهم آوردن عرصه‌ای برای مشخص شدن اینکه کدام یک از انسان‌ها در راه انجام کار یا شخس کار را بیکار یا بسته خوب پیشرو هستند، می‌داند. مبدیان متنوع عرای عمل و کار انسان به وجود بیاید و انسان در مسابقه به خیرات و نیکی‌ها در این میدان مسابقه قرار بگیرد و برندگان انتخاب راه او شیو، عملی که دارد آشکار شود و برندگان و بازندگان این میدان معلوم شوند. فراهم آوردن عرصه‌ای برای انتخاب کار برای کار و تلاش انسان‌ها به هدف مشخص شدن نیوکار ترها... به این ترتیب، نظام‌های اجتماعی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که این میدان گسترده را برای این انسان‌ها فراهم کند؛ و از آنجا انسان‌ها به راه‌های مختلف محدودیت ناچهار هر انحراف، تلاش و عامل اجتماعی‌ای که در این قلمرو مانع از تحقق این هدف شود باطل و ظلم است.

شهید بهشتی با استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص) (وسائل، ج ۱، ۴۰۷)، نتیجه می‌گیرد که عدالت اسلامی مسئول فراهم آوردن زمینه‌ای است که جلوی عتلی شدن فسق و فساد را بگیرد. اگر زمینهٔ انتشار و علنی شدن و تجاره به فسق و فجور باز باشد، علامهٔ عامهٔ مردم و دوهما را در معرض فشار سنگینی قرار می‌دهند که چه بسا راه هرکس حقیق انتخاب دارد، در انتخاب نیزش دارد. (همو، ۱۳۸۷: ۱۴۵-۱۴۴)

**۴-آزادی انتخاب:** انسان با داشتن آن فطرت و احساسات علمی دانشگاهی،

۳ در همین باره یکی از مردان از حسین بن منصور حلاج خواست که در روضی کند. حلاج گفت: «به نفس خود پرداز که اگر تو آن را دوست نکتی، آن را به غیر باقی منتهی خود کن» کرده‌ام، اما فایدهٔ گذشت بر اینجاست: پیامی‌نامی که هزاران سال با فطرت نشست و بدویست و از خود گسستم ولیکن سرگشتن این به خیراست... تراشیدم، برستیدم، شکستم

موسویان، آزادی در اندیشه‌سیاسی شهید بهشتی/ رحمت مهدوی، نو گرایی دینی در اندیشه سیاسی شهید بهشتی / منصور میراحمدی، علل و عوامل انحراف حکومت از اسلام بهشتی / شهید بهشتی / رحمت مهدوی، جلوه‌های مشارکت سیاسی زنان در قانون اساسی با تأکید بر اندیشه‌های شهید بهشتی / سید محمد مدعلی هاشمی.

بخش سوم مشتمل در مقالات زیر با محوریت «مقالات اقتصادی» است: بررسی و تحلیل ماهیت پول و رابطه آن با ربا از دیدگاه شهید به



































## توحیم

جناب آقای محمد کسرائی

بانهایت تأثر و تالم در گذشت خانم بتول بیانی مادر گرامی همسر محترم متان را به شما و سرکار خانم رزم پوش و سایر بازماندگان محترم تسلیت می گویم.
مجلس ترحیم آن مرحومه روز پنج شنبه ۱۳۹۳/۴/۵ ساعت ۱۶/۴۵ بعداز ظهر در مسجدالرضاع) واقع در خیابان خرمشهر خیابان شهید عشق یار میدان نیلوفر برقرار می باشد.

کانون علوم اداری ایران

باز گشت همه بسوی اوست

بانهایت تاسف و تائر درگذشت شادروان جهانگیر اشرفی را با اطلاع کلیه بستگان، دوستان و همشهریان محترم می رساند.

به محترم مناسبت مراسم ترحیمی روز پنجشنبه ۹۳/۴/۵ از ساعت ۴ تا ۵/۳۰ بعداز ظهر در مسجد نور واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می گردد.

حضور سروران گرامی موجب شادی روح آنر حوم و تسلاى خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: اشرفی- مرادی شبستری- پاداریان- پادار

– حمدالزاده – ذاکر شبستری – شبیرزاد – خمیر گیر –

نبی پور- پرتوی – درستی – طباطبایی – شبیراحمدی –

روشن – دلدار – مهدیون – روزافشان – رونقی – حق زاده –

– صمدی – گندم کار – معصری – روزبهایی – زندنیا –

– میزانی – ساعد – رهبری آزاد – کلاته – کرم زاده –

لواسانی – شکوهی – عالم زاده – بهاری – نور خاوری –

– برادری – صاحب دل – دبستانی – علیپور – محمدی –

فرزانه – محمدپور – رنجبرزاده – شبانی – عباس زاده –

عباسی – آلتیانیلو – پری زاده – طالب زاده – فرامرز ی –

دانش وران – کاظمی – معروف – نیازی و سایر وابستگان

سببی و نسبی.

باز گشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر در گذشت همسر و پدر بزرگوار مان شادروان حاج محمد حسین ابوالقاسم زاده شبستری بزرگ خاندان شبستری را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و همشهریان محترم می رساند.

مجلس ختم آنرحوم روز پنجشنبه ۱۳۹۳/۴/۵ از ساعت ۴ الی ۵/۳۰ بعد از ظهر در مسجد نور شبستریها واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار میگردد.

حضور گرانقدر شما موجب شادی روح آن مرحوم و تسلاى خاطر بازماندگان خواهد بود.

همسر دادگران و فرزندان

خانواده‌های: ابوالقاسم زاده شبستری – راد – بیابانی – موسوی – سام گیس – هز اوای – طاهریان و سایر بستگان.

باز گشت همه به سوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر در گذشت همسر و پدر عزیز مان امیر سررتپ خلیان محمدحسن معینی پور را به اطلاع اقوام و آشنایان می رساند.

مجلس ترحیم آن مرحوم روز پنج شنبه پنجم تیر ماه ۱۳۹۳ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب روبروی میلاد نور برگزار می گردد.

همسر: سرور منشی زاده

فرزندان: کامران، مژگان، مژده

نوه: سینا

پدران: سرهنگ پرویز معینی پور، سررتپ دکتر محمدتقی معینی پور

خواهر: فخر ایران معینی پور

خانواده‌های عزادار: معینی پور، منشی زاده، کامکار، ناصری، صفوی، صدیقی، مکنث خواه و سایر بستگان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان احمد محققی ثمرین وکیل پایه یک دادگستری را به اطلاع می رساند.
مجلس ختم از ساعت ۱۷ تا ۱۹ روز چهارشنبه ۹۳/۴/۴ در مسجد جامع صاحب الزمان (عج) واقع در میدان رازی میدان رباط کریم خیابان شهید زربافیان (جمال الحق) برگزار می گردد.

کانون و کلاي دادگستری مرکز

باز گشت همه بسوی اوست

بانهایت تأثر و تاسف درگذشت پدر همکار گرامی جناب آقای دکتر محمدرضا معتمد را باستحضار کلیه همکاران محترم بیمارستان می‌رساند:

ضمن عرض تسلیت به خانواده بزرگوار معتمد مراسم ترحیم آن فقید سعیداز ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۳/۴/۵ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می گردد.

حضور شما سروران عزیز در مراسم مذکور موجب شادی روح آن مرحوم و آرامش خاطر بازماندگان خواهد شد.

هیئت مدیره، پزشکان و کارکنان بیمارستان پارس

باز گشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت ناهنگام دو ششیزه منصوره رونقی را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.

به همین مناسبت مراسم ترحیم آن شادروان روز پنجشنبه ۱۳۹۳/۴/۵ از ساعت ۴ تا ۵/۳۰ بعد از ظهر در مسجد نور واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می گردد.

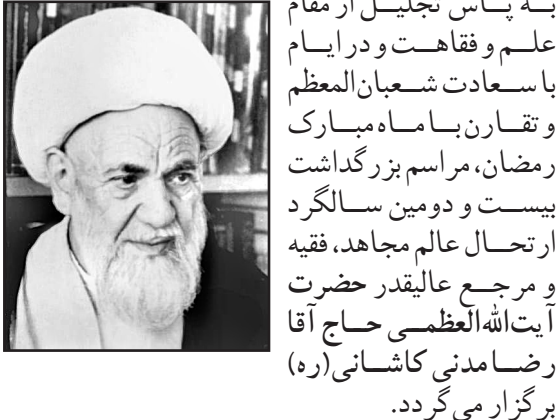
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آنرحومه و تسلاى خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: رونقی – قربانزاده و سایر وابستگان سببی و نسبی.

## ترحیم

## یادبود

العلماء ورثة الانبياء



سید حسن موسوی یزدی، روحانی و پزشک ایرانی

به پاس تجلیل از مقام علم و فقا‌هت و در ایام باسعادت شعبان المعظم و تقارن با ماه مبارک رمضان، مراسم بزرگداشت بیست و دومین سالگرد ارتحال عالم مجاهد، فقیه و مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج آقا رضا مدنی کاشانی(ره)

برگزار می گردد.

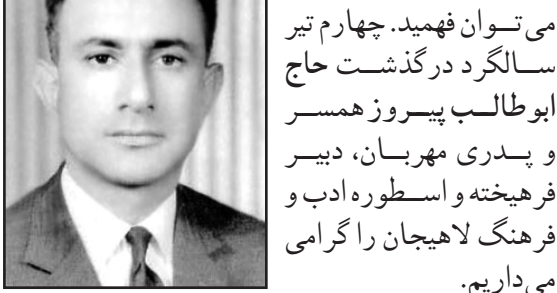
شرکت در مراسم مذکور تعظیم شاعر مذهبی است.
زمان: پنجشنبه پنجم تیر ماه مطابق با ۲۸ شعبان المعظم ۱۴۳۵ بعد از نماز مغرب و عشا

مکان: مسجد و مدرسه علمیه معظم‌له واقع در بازار کاشان

سخنران: حضرت آیت‌الله مقتدایی

(عضو محترم مجلس خبرگان رهبری و قائم مقام جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال آیت‌الله‌العظمی مدنی کاشانی(ره)



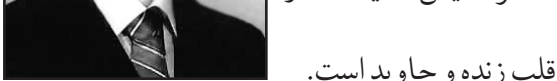
همسر و فرزندان

یارحی

هفت سال از پرواز فرزند عزیزمان زنده‌یاد سیدعلی

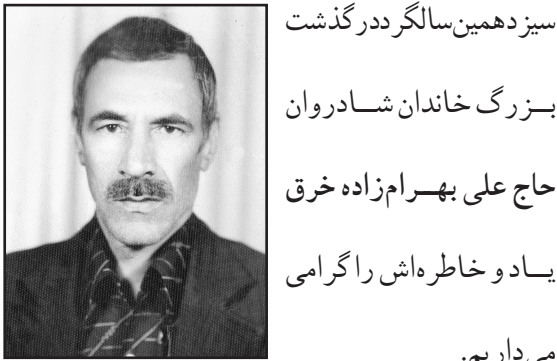
باقری گذشت.
یاد و خاطره‌هایش همیشه در

قلب زنده و جاوید است.



خانواده باقری

هو الباقی



سیزدهمین سالگرد درگذشت

بزرگ خاندان شادروان

حاج علی بهرام زاده خرق

یاد و خاطره اش را گرامی می‌داریم.

از طرف: دختران – دامادها و نوه‌ها

تسلیت

خانم پدرالسادات عیوقی و خانواده محترم بدیعی مصیبت فقدان فرزند عزیزتان دکتر افشین بدیعی را تسلیت عرض نموده و برای بازماندگان صبر و شکیبایی و مغفرت خواهانیم.

کانون آگهی و تبلیغات نارین رسانه

و نمایندگی روزنامه اطلاعات کرج

جهان‌اچه بد مهر و بد گوهری

چهارم خرداد ماه ۱۳۹۳

خانواده محترم آقای دکتر عباس فانی

ما در غم و اندوه درگذشت و تلخ شادروان دکتر عباس فانی پزشک و جراح عالیقدر و انسانی شریف و والا همدرد شمایم.

دکتر سیدهاشم موسوی پیر و یزدی ضایع نادر ذو الفقاری

– مهندس محمد مفتاح – سر و شرفاهی – علی توسلی – ناصر زعفرانی – بهروز بهرامی – علی خسروی – علیرضا سیفی – سید برار حسینی – احمد زیدالو – مظاهر آر یانی – محمدعلی رحمانی – حسن تاجدینی – جعفر علی آبادی – دکتر باقر نیکبیار

جناب آقای مهندس رحمان نجفی

مدیریت محترم عامل مجتمع سیمان غرب آسیا

با تأسف فقدان برادر بزرگوار تان را تسلیت گفته از درگاه الهی برای آن مرحوم آمرزش و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواستاریم.

هیات محترم شرکت خدمات فنی و مهندسی طرحهای صنعتی ایران (استپ)

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

با نهایت تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

با نهایت تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

با نهایت تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

با نهایت تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

با نهایت تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

با نهایت تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

با نهایت تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

با نهایت تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

با نهایت تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس حمید قزوینی

مدیر عامل محترم شرکت آب منطقه‌ای قزوین

چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۹۳ – ۲۷ شعبان ۱۴۳۵ – ۲۵ ژوئن ۲۰۱۴ – شماره ۲۵۹۰۵

دوست ارجمند، جناب آقای دکتر منصور عرب تسلیت ما را در مصیبت وارده بپذیرید.
دکتر امیرحسین سجادیه و بانو

درگذشت جناب آقای دکتر عباس فانی پزشک والا مقام، دانا و مر دمی را به خانواده محترم فانی و کلیه کادر پزشکی استان گلستان صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

گرگان – دکتر حداد – دکتر ناطقی

جناب آقای دکتر شاهین محمدنژاد

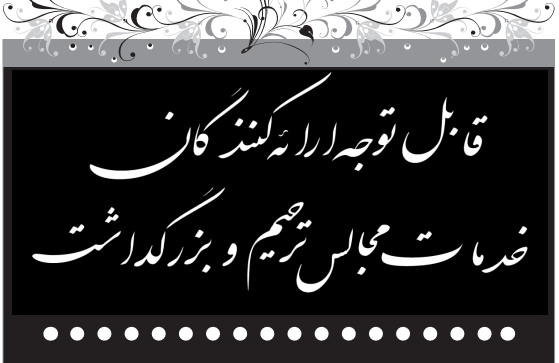
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت والده گرامی را تسلیت عرض نموده از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم تان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

هیأت مدیره انجمن ارز یابی محیط زیست ایران

جناب آقای دکتر افشین یداللهی

در غم از دست دادن مادر گرامیتان همدردیم.

فصلنامه سیاهوشان – دکتر حسین مجتهدی – دکتر علی حاج قاسمعلی – مهندس آرش رحمانی



همسر و فرزندان

یارحی

هفت سال از پرواز فرزند عزیزمان زنده‌یاد سیدعلی

باقری گذشت.
یاد و خاطره‌هایش همیشه در

قلب زنده و جاوید است.

خانواده باقری

یارحی

هفت سال از پرواز فرزند عزیزمان زنده‌یاد سیدعلی

باقری گذشت.
یاد و خاطره‌هایش همیشه در

قلب زنده و جاوید است.

خانواده باقری

یارحی

هفت سال از پرواز فرزند عزیزمان زنده‌یاد سیدعلی

باقری گذشت.
یاد و خاطره‌هایش همیشه در

قلب زنده و جاوید است.

خانواده باقری

یارحی

هفت سال از پرواز فرزند عزیزمان زنده‌یاد سیدعلی

باقری گذشت.
یاد و خاطره‌هایش همیشه در

قلب زنده و جاوید است.

خانواده باقری

یارحی

هفت سال از پرواز فرزند عزیزمان زنده‌یاد سیدعلی

باقری گذشت.
یاد و خاطره‌هایش همیشه در

قلب زنده و جاوید است.

خانواده باقری

یارحی

هفت سال از پرواز فرزند عزیزمان زنده‌یاد سیدعلی

باقری گذشت.
یاد و خاطره‌هایش همیشه در

قلب زنده و جاوید است.

خانواده باقری

یارحی

هفت سال از پرواز فرزند عزیزمان زنده‌یاد سیدعلی

باقری گذشت.
یاد و خاطره‌هایش همیشه در

قلب زنده و جاوید است.

خانواده باقری

آگهی تغییرات شرکت گروه بین‌المللی آباد راهان پارس

به شماره ثبت ۱۳۹۸۲۵۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۸۸۵۵۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: ۱- شرکت مذکور منحل گردید. و آقای علی مدد سلیمانی دودچی به عنوان مدیر تصفیه انتخاب شد و نتایجی محل تصفیه تهران - خ هاشمی - نرسیده به چیتون - فرعی معینی - فرعی بست نیرفاد - پلاک ۲ - واحد ۱ و ک پستی ۱۳۵۴۳۵۱۱ می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت رتولیدی لطیف گستر دیا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۷۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۹۱۳۲۸۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۰ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۱ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه حسابرسی سلمان لدینیان یکتا به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۸۳۴۲۳ عنوان بازرس اصلی شرکت و آقای حمیدرضا نقی زاده به شناسه ملی ۰۰۴۸۳۲۳۷۸ عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال انتخاب شدند.

آگهی تغییرات شرکت سندروس صنعت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۷۵۴۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۸۴۳۲۰ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت الهام طب سهامی خاص به شماره ثبت ۶۶۸۷۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۱۷۲۰۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب رسید.

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۵۶۲۴ تصویبات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.









۱۷۸

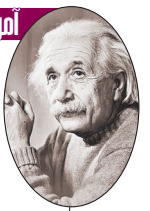
# فرهنگ

چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۹۳ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / شماره ۲۵۹۰۵

آموزه

اینشتین:

تمامی دانش ما در مقایسه با واقعیت، ابتدایی و کودکانه است. ولی با این حال با ارزشترین دارایی ماست.



سرسخن کریم فیضی

گزارشی از «یورومانتور»

## ایران و نهادهای جدید زیست

رسانه های چاپی در ایران بسیار رایج هستند. تعداد روزنامه ها، ژورنال ها و مجلات روز به روز در حال افزایش است. علاوه بر آن شمار بروشور تبلیغاتی که پر از تبلیغات رنگی از کافه ها، رستوران ها و خرده فروشی ها در زمینه های مختلف هستند، بسیار زیاد است. هزینه یک صفحه تبلیغ به راحتی به ۶۰۰۰ دلار آمریکا برای صفحات گلاس در مجلات می رسد.

برخی مجلات در میان اکثر ایرانیان رایج است. این مجلات پر از انواع مختلف تبلیغات هستند و در هر شماره حدود ۵۰۰۰۰ نسخه چاپ می کند. مجلات آشنایی نیز بسیار رایج هستند و یکی از آنها تقریباً ۱۱۰۰۰۰ نسخه در هر ماه به چاپ می رساند.

بازاریابان تمایل به جذب مشتری از طریق نمایش جذاب محصولات در فروشگاه ها و محل فروش دارند. ثابت شده که سمپلینگ محصولات در سوپرمارکت ها و مراکز خرید در جذب مشتریان موفق است. برنامه های وفاداری مشتری هنوز در ایران جدید هستند اما تعداد روز افزونی از فروشگاه ها و خرده فروشان از کارت های عضویت و برنامه های وفاداری برای نگه داشتن مشتریانشان استفاده می کنند.

جمعیت جوان ایرانی هر روز از برندها آگاهی بیشتری کسب می کنند. رسانه های جهانی مثل اینترنت و ماهواره منجر به افزایش آگاهی از برندها شده اند. صنعت تبلیغات با افزایش تمایل شرکت ها به جذب مشتریان جدید از طریق ابزار مختلف تبلیغاتی، رشد خواهد کرد.

همچنان که نفوذ اینترنت و قابلیت اتصال به آن در ایران افزایش می یابد، تجارت الکترونیکی از اهمیت بیشتری برخوردار می گردد. تعداد فروشگاه های اینترنتی در حال افزایش است. بازاریابان با استفاده از اینترنت و به خصوص سایتهای اجتماعی مثل فیس بوک سعی در ایجاد ارتباط با مشتریان جوان دارند.

از طرف دیگر، مشتریان محصولات که به صورت آنلاین، یا زبانی قبل از خرید تبلیغ شده اند را می خرند و قبل از خرید محصولات را باهم مقایسه می کنند. اگر که مسافرت خارجی در میان قشر متوسط و جوان ایران افزایش یابد، آنها با برندهای بین المللی آشنا تر شده و توسط رسانه های بین المللی تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. آن ها به دنبال محصولات و خدمات مشابه در ایران خواهند بود. قشر مرفه تهرانی که اصولاً در شمال شهر سکونت دارند، تعیین کننده روند در ایران هستند. با داشتن بالاترین سطوح درآمد و مخارج، ساکنین تهرانی هدف اصلی برای بازاریابان خواهند بود. تبلیغات و فعالیت های بازاریابی در شمال تهران که بیلوردها و پوسترها در خیابان نمایش داده می شوند و دکور مغازه ها پر از محصولات مارک است، مشهودترند.

ایران با جمعیت ۷۵،۵ میلیون نفری در سال ۲۰۱۰، پرجمعیت ترین کشور در خاورمیانه است. در طول دوره بررسی سن میانه از ۲۴،۵ در سال ۲۰۰۶ به ۲۶،۷ در سال ۲۰۱۰ به سرعت افزایش یافته است و انتظار می رود به ۳۲،۳ در سال ۲۰۲۰ برسد.

پیش بینی می شود جمعیت تا سال ۲۰۱۶ به ۸۰ میلیون نفر برسد. این جمعیت دوبرابر جمعیت در سال ۱۹۸۰ است. تا سال ۲۰۲۰ ایران ۸۳،۷ میلیون سکنه خواهد داشت که اکثریت میانسال خواهند بود. انتظار می رود که در همه گروه های سنی افزایش سنی بیشتر از ۳۴ سال بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۳۰ داشته باشیم، یک افزایش سریع جمعیت در افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله محتمل است.



استاد خسرو افشار در موسسه اطلاعات

ارمغانی از فرهنگ

بدنامی حیات دو روزی نبود بیش

آن هم کلیم! با تو بگویم چه سان گذشت یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت!

«پدرم این شعر را زیاد می خواند. به همین جهت،

آن را حفظ کرده ام و همیشه در خاطر ام. اکنون که

سالها از زمان حیات پدرم گذشته، خوب که نگاه می کنم،

می بینم وصف حال خودم همین شعر است و در واقع،

حالا باید از چیزهایی که روزی به آنها دل بسته بودم، دل

بکنم و بی هیچ ادعایی برای دیگران بگذارم.»

استاد خسرو افشار، فرزند پرومند زنده یاد دکتر

محمود افشار، واقف بزرگی که جایزه جهانی اش

برای بزرگان و کوشندگان حوزه جهانی ادب فارسی

و موقوفاتش در حمایت از توسعه و ترویج زبان

فارسی شهری فراموشی پیدا کرده، و نیز برادر کوچکتر

ایران شناس نامی مرحوم ایرج افشار است. کمتر کسی

را در میان اصحاب فکر و فرهنگ معاصر میتوان یافت

که از نیکنامی این خاندان و خدماتی که به دست آنها

به ساحت فرهنگ رسیده، بی خبر و بی اطلاع باشد.

از معاصرین، غالب چهره های شاخص و نامدار،

دوستان و دوستان خدمت فرهنگی خاندان افشار به ایران و

مطالعات اصیل ایرانی بوده اند. و چگونه چنین نباشد

در حالی که یکی از بزرگترین نهادهای فرهنگی ایران

در ۱۰۰ سال گذشته، جایی غیر از مرکز دایره المعارف

نوستاری از استاد دکتر رضا داوری اردکانی

## دانشمندی و روشنفکری



اشاره: پیش از این به مناسبت طرح «ریشه کنی فقر به مدد علم» مطالبی تحت عنوان «علم، جامعه و روشنفکری»

در باره سباقه این طرح و تجربه دو دهه ساله تاریخ

تجدد و کامیابی ها و ناکامی های آن نوشته شد. در

آن نوشته بیشتر نظر به ارتباط و نسبت میان دانش و

روشنفکری در صحنه زندگی و تاریخ بود. روشنفکری

در تاریخ یکصد ساله بر آمدن و شکوفا شدنش بیشتر از

سیاست و نه از علم - بازخواست می کرده است که

چرا به وعده های منور الفکری قرن هجدهم وفا نشده

است. پرسش و اعتراض روشنفکری قاعدتاً باید بر این

اساس استوار می بوده است که وعده قرن هجدهمی

پدید آمدن جهان صلح و آسایش و بی نیازی و سلامت

و بی مرگی را تحقق یافتنی می دانسته اند اما اکنون که آن

امید تقریباً بر باد رفته است (هر چند که هنوز آثار آن رؤیا

دهخدا نیست و محل استقرار این نهاد ریشه دار، زمینی است که زنده یاد افشار در اختیار دانشگاه تهران گذاشته است. بی جهت نبوده و نیست که بزرگانی چون: زنده یاد دکتر شهیدی و زنده یاد باستانی پاریزی نقش خانواده افشار در ترویج زبان فارسی و حمایت از ادب هزار ساله فارسی را بی بدیل می دانستند و این قولی است که جملگی بر آنند.

بدون شک، در این میان باید یاد کردی ویژه از مرحوم استاد ایرج افشار داشت که جایگاهش در مقولاتی چون: ایران شناسی، کتاب شناسی، هنر شناسی و تحقیق و تتبع در حوزه گوناگون مطالعات مربوط به

ایران، بی نظیر است و هنوز ایران شناسی به قدرت و جامعیت او، در فرهنگ قدیم و جدید شناسایی نشده است. بخش مهمی از ارزشها و امتیازات و فضایل آن مرحوم، بعد از فقدانش آشکار شد و فرهنگ ایران، زخم فقدان مردی را احساس کرد که بیش از ۶۰ سال،

با اخلاص تمام، در راه ایران و شناخت دقیق و درست آن، از تمام توانش بهره برده بود و دست به اقداماتی زده بود که هنوز هم شگفت انگیز است. گشتن و گردیدن

تقریباً همه نواحی ایران - عمدتاً - با پای پیاده و گزارش از بسیاری از دیدنیهای ایران با چشم سر، تنها یکی از کارهای ایرج افشار بود که تا واپسین سالهای عمرش بر آن مداومت داشت و غالب یادداشتهايش در همین

گشت و گذارها و دید و بازدیدها به قلم آمده بود. ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

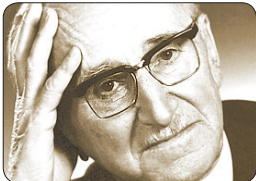
ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۴ و ۵

۳



فلسفه

فریدریش فون هایک

اندیشه های جاودانگی

۲



هنر پس از تیمور

تجلی هنر قرآنی

۷



خط

یادی از میرزا طاهر خوشنویس

مشق نویس عشق

۶

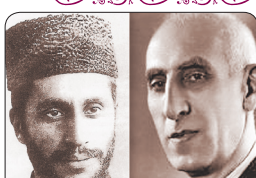


۳

مسعود؛ روایت سال های سخت

در همسایگی رنج

۵



۳

مناظره دکتر مصدق و سیدضیاء

آقای دکتر!

۴



۳

طنز در آثار دکتر باستانی

نیست که نیست!

۶



۴

حمله هوایی به اچ ۳

عملیات استثنایی

۳





نگاه

در فاصله زمانی میان مرگ تیمور و سقوط سلسله آق‌قویونلو و حکومت تیموریان در نخستین دهه قرن هفد، ایران در حد بی سابقه‌ای شاهد شکوفایی هنرهای مربوط به کتاب بود. دربار تیموریان و ترکمانان ثروت خود را با گشاده‌دستی صرف هنرهایی چون خوش‌نویسی، نگارگری (میناتور)، دیگر هنرهای مرتبط با کتاب می‌کردند، بسیاری از دست‌نوشته‌های تذهیب‌شده‌ای که در هرات، تبریز و دیگر شهرها، در این دوره به وجود آمده، دارای شهرت و اعتبار است. شمار دست‌نوشته‌های بدون تذهیب این دوره بسیار زیاد است، نمونه‌های متعددی از این آثار نیز به طرز درخشانی با سه سبک جدید تذهیب شده‌اند.

تذهیب مبتنی بر قالب‌های هندسی که تقریباً در تمامی قرن هشتم هجری متداول بود در آغاز قرن نهم هجری به کلی منسوخ شد. این طرح جای خود را به نوعی از تذهیب بخشید که در آن استفاده گسترده از نقش دسته گل‌های طلایی با شکوفه‌های رنگین بر زمینه آبی رنگ رواج داشت. این سیاق که در اوایل عصر تیموریان متداول بود، اول بار در آثاری که در دهه ۷۷۰ هجری در شیراز آفریده شد، رخ نمود. در این دوران قرآنی متعلق به نیمه قرن هشتم هجری که بدون تذهیب مانده بود به فرمان توران‌شاه، وزیر آل مظفر، تذهیب شد. هنگامی که نقوش ملهم از هنر چینی، مثل طرح گره و سیر سیرک، که پیش‌تر از آن تاریخ شناخته شده بود، در پایان قرن هشتم هجری منسوخ شد. نقوش دیگری از همان سیاق برای نخستین بار در سبک جدید به کار رفت. مشهورترین این نقوش، کتیبه‌ای با انحاء در دو طرف است که برگرفته از گوی چوگان شاهی چینی بوده و در سطح گسترده‌ای در صفحات آغازین کتب دست‌نویس و دیگر فضاهای بزرگ تذهیبی به کار رفته است.

سبک تیموری در ابتدا به ویژگی‌های بارزی آراسته بود، در این سبک گل‌های طومای اسلیمی و خلک‌ها غالباً با تسمه‌های درهم بافت تصویر می‌شدند. اکثر دست‌نوشته‌هایی که با این سیاق تزیین شده به هرات و تبریز تعلق دارد، اما برخی از آن‌ها نیز به شیراز منسوب است. در دومین نیمه قرن نهم هجری سبک ثانی در شهرهای تحت سلطه ترکمانان آق‌قویونلو، خاصه در تبریز و شیراز متداول شد. بنیان اصلی این سبک با گذشته تفاوتی نداشت، اما در این آثار غالباً از طرح‌های هندسی مکرراً استفاده می‌شد. این تکامل در سبک و سیاق، سیری تدریجی داشت. چنین امری چندان هم نادر نیست که گاه در یک دوره مشخص بیش از یک سبک رواج داشته باشد، خاصه با توجه به آثاری که در دربار ترکمانان تدوین می‌شد.

بر خلاف قرآن‌های عظیم چند جلدی که در قرن هشتم هجری بسیار متداول بود، خصوصیت قرآن‌های قرن نهم هجری در اندازه کوچک و متناسب آن‌هاست. این دست‌نوشته‌ها معمولاً به خط نسخ و یا تأثیر از خوش‌نویس قرن هفتم هجری، یاقوت مستعصمی، کتابت می‌شد. در قرن نهم، اسلوب یاقوت به صورت ویژگی شناخته شده این سبک درآمد، بسیاری از دست‌نوشته‌هایی که به خط او کتابت شده مربوط به این دوره است. اگر چه درباره خاستگاه این نمونه‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست، غالب محققان این دست‌نوشته‌ها را جعلی می‌دانند. بی تردید برخی از این آثار با انگیزه مغیون ساختن خریدار استنساخ شده، اما گروهی دیگر از آن‌ها، با نیت نیک و با هدف بازآفرینی اثر یک استاد بزرگ کتابت شده است.

اگر چه در این دوره دست‌نوشته‌های بزرگ قرآنی به ندرت کتابت می‌شد، اما هنوز هم این آثار را به خط محقق می‌نگاشتند. مشهورترین

این آثار قرآن ارزشمندی است که به فرمان شاهزاده تیموری بایسنقر کتابت شده است.

این قرآن را برای مسجد بزرگی که تیمور در سمرقند ساخته بود، نوشته‌اند، اما در این باره که بایسنقر کاتب آن بوده، تردید داریم. نمونه ۲ حاوی دو رقعۀ از یک صفحه این قرآن است. نمونه ۳ نشان می‌دهد که دیگر کاتبان تا مدت‌ها تحت تأثیر این قرآن قرار داشتند، کاتب این نمونه‌ها مدت‌ها پس از مرگ بایسنقر از یکی از نوشته‌های او، که هم‌اکنون مفقود شده، نسخه‌برداری کرده است.

هنرهای تیموری و نقوشی از دکتر ناصر خلیلی

## تجلی هنر قرآنی



بی تردید زیباترین دست‌نوشته مربوط به قرن نهم هجری ایران که در این مجموعه وجود دارد، حدود سال‌های ۸۹۵-۸۸۵ هجری به سفارش فرد ناشناسی از سلسله آق‌قویونلو در شیراز یا تبریز کتابت شده است. ارزش و کیفیت این نمونه، در رتبه بهترین دست‌نوشته‌هایی است که برای حکام سلسله آق‌قویونلو نوشته شده، نمونه‌هایی چون قرآنی که برای اوزون حسن در ۸۷۶ هجری کتابت کرده‌اند، و یا قرآن سی جلدی نفیسی که زین‌العابدین بن محمد الکاتب شیرازی برای پسر اوزون حسن، یعقوب بیگ در ۸۸۸ هجری خوش‌نویسی کرده است. این همه نشان می‌دهد که نمونه‌ای نیز برای یکی از اعضای خاندان سلطنتی و یا یک مقام عالی‌رتبه نگاشته شده است. این دست‌نوشته جلد اصلی خود را حفظ کرده، وجود این جلد، همچنین صفحات آغازین از آن جا که چگونگی صنعت کتاب‌سازی عثمانی در قرن دهم هجری را می‌نمایاند، دارای اهمیت قابل توجهی است. همچنین قرآنی احتمالاً به سفارش عضوی از سلسله آق‌قویونلو نوشته شده، زیرا تذهیب و جلد این نمونه شبیه قرآن‌هایی است که در سال ۸۸۸ هجری برای یعقوب بیگ کتابت شده است.

در این مجموعه همچنین چندین دست‌نوشته نفیس متعلق به دوران امپراتوری تیموریان خواهید یافت که دو نمونه از این دسته آثار احتمالاً برای خاندان سلطنتی کتابت شده است. نمونه‌ای دیگر، رقعۀ از قرآن بایسنقری است که در سال ۸۲۳ هجری توسط کاتبی برای ابراهیم سلطان، که در سال‌های ۸۳۷-۸۱۷ هجری حاکم شیراز بود، استنساخ شده است. دیگر دست‌نوشته‌ها در ارتباط با دربار تیموریان کتابت نشده، اما با این همه از کیفیت بالایی برخوردار است. به عنوان مثال نمونه‌ای که در اوایل دوره تیموریان نوشته شده، دارای تذهیبی است که با بهترین آثاری که برای شاهزاده بایسنقر در هرات کتابت شده، برابری می‌کند. نمونه‌ای، دو صفحه از دست‌نوشته‌ای را در بر می‌گیرد که بی تردید در آن روزگار یکی از شاهکارهای هنر خوشنویسی محسوب می‌شد. نسخه کامل این اثر

حاوی متن کامل قرآن نبوده و تنها ۵ سوره از قرآن را شامل می‌شد. این نمونه با عبارت «الحمد لله» آغاز شده، دارای صفحاتی در قطع بزرگ و از نظر خوش‌نویسی در حد بسیار بالا و حائز اهمیتی است، چنان‌که می‌توان آن را با قرآن‌های ابن السهروردی در قرن هشتم هجری و آثار ابراهیم سلطان در اوایل قرن نهم هجری مقایسه کرد با وجود آراء و نظریاتی که درباره این اثر ارائه شده، نام استاد کاتب آن، کرم شاه تبریزی، ناشناخته است.

در میان نمونه‌های مجموعه خلیلی قطعه کاغذ

تألیفاتی که در زمینه تاریخ خوش‌نویسی انجام شده، ثبت می‌شد، چنان‌که درباره کتیبه‌ای که وی برای ایوان مسجد مادرش، گوهرشاد، به سال ۸۲۱ هجری در مشهد طراحی کرد، وقایع‌نگاری شده است. از این رو گمان می‌رود بایسنقر کاتب این دست‌نوشته نباشد. انتساب این قرآن به بایسنقر به چند دلیل صورت گرفته: نخست بدان خاطر که این دست‌نوشته در مقبره تیمور قرار داشت؛ بایسنقر نوه تیمور بود؛ و بالاخره بدین دلیل که وی مشهورترین کاتب تیموری است که آثار فراوانی را کتابت کرده است.

سادگی تذهیب اصلی این دست‌نوشته نیز، انتساب آن را به بایسنقر منتفی می‌کند. بیش‌تر صفحات به غیر از خطوط طلایی و آبی گرداگرد متن، فاقد تذهیب است. تنها تذهیب اصل این دست‌نوشته در عنوان سوره‌ها دیده می‌شود. این نقوش شامل نام سوره و شماره آیات است که با ثلث طلایی نوشته شده، اعراب‌گذاری این بخش با رنگ آبی و بر زمینه‌ای از نقوش طوماری اسلیمی صورت گرفته است؛ این نقش در برخی صفحات بر زمینه‌ای هاشور خورده با شکل سه نقطه آبی رنگ ترسیم شده است. این اثر اگر توسط بایسنقر کتابت شده بود، می‌بایست همانند دست‌نوشته‌ای که برای وی در هرات کتابت شده، دارای تذهیب پر نقش و نگاری می‌بود.

در مورد انتساب این قرآن نفیس به شاهزاده بایسنقر، نمی‌توان به روایات قدیمی استناد کرد، اما مرجع دیگری وجود دارد که منشاء دست‌نوشته‌های متعددی را مشخص کرده، این کتاب که «گلستان هنر» نام دارد توسط قاضی احمد و در اواخر قرن دهم هجری نوشته شده است. با توجه به مندرجات این اثر تحقیقی، درباره هنر خوش‌نویسی و نقاشی، دست‌نوشته‌های متعددی در سمرقند و در دوران تیموریان کتابت شده است.

از جمله عمرآقتا، که از خوش‌نویسان آن روزگار بود، عزم داشت تا تیمور را با کتابت قرآن کوچکی که در زیر یک انگشتری جای می‌گرفت، شگفت زده کند، اما هنگامی که با بی‌تفاوتی تیمور مواجه شد، تصمیم گرفت قرآن بسیار بزرگی را بنگارد، قرآنی آن چنان عظیم که برای حمل آن به ارابه نیاز داشتند. این بار فاتح بزرگ سخت تحت تأثیر مهارت این استاد قرار گرفت و او را پاداشی در خور بخشید.

یک دست‌عمر آقتا قطع شده بود و او تنها با دست چپ به خوش‌نویسی می‌پرداخت، این امر عظمت کار او را بیش‌تر نمایان می‌کند.

بنابر گفته‌های قاضی احمد، طول هر سطر این قرآن بیش از یک ذرع (حدوداً ۱۰۴ سانتی‌متر) بود، که دقیقاً همان اندازه با سطر قرآن بایسنقری است.

همچنین قاضی احمد می‌گوید که عمر خود این دست‌نوشته را صحافی و جلد کرده است. شاید گروهی معتقد باشند، از آن‌جا که قرآن بایسنقری بر یک وجه نوشته شده فاقد جلد بوده؛ اما با وجود آن که چنین طرحی برای یک کتاب چندان متداول نبوده و دیگر مختصات این دست‌نوشته نیز غیر معمولی می‌نماید، نمی‌توان احتمال نگارش قرآن بایسنقری توسط عمر آقتارامتنفی دانست. همچنین اگر دو صفحه از این قرآن در کنار هم قرار گیرد، دقیقاً هم اندازه‌ی رحل عظیمی خواهد شد که به فرمان نوه تیمور، اولوغ‌بگ، برای مسجد بزرگ سمرقند، که امروزه به مسجد بی‌بی خانم معروف است، ساخته شده است. شباهت‌هایی که بین ابعاد قرآن بایسنقری و رحل مسجد سمرقند دیده می‌شود، این احتمال را قوت می‌بخشد که رحل مذکور برای همان قرآن ساخته شده و یقیناً این قرآن در طول قرن نهم هجری در سمرقند بوده است.

با وجود شواهد و اسنادی از این دست احتمال می‌رود که قرآن بایسنقری در اواخر دوران حکومت تیمور، حدود ۸۰۸-۸۰۲ هجری، کتابت شده باشد.

این تاریخ باخصایص غیر معمولی این قرآن در تناسب است، زیرا تدوین و تهیه قرآنی با این اندازه و عظمت با سلیقه‌ی سفارش‌دهنده‌ای چون تیمور سازگار است.





### عماد فرح نیا

غرش مهیب توپ‌ها در اوت ۱۹۱۴، که ناقوس آغازگر بزرگترین جنگ تاریخ، تا آن لحظه رقم زد، خط پایان دوران خاصی شد که از اولین هجوم ناپلئون اول در آغاز قرن نوزدهم آغاز گردید و تا امروز استمرار یافت دورانی قریب به یکصد و چهارده سال که به قرن مطول معروف است.

دو امپراتوری بزرگ اتریش-مجارستان و پروس (آلمان) که بیشترین نقش تهاجمی را در آغاز جنگ اول جهانی داشتند، طی نیم قرن تا ۱۹۱۴، طلایه دار دانش، خرد و هنر در مغرب زمینند. دورانی که در آن ارنست ماخ، انیشتین، کخ، نیچه، واگنر، کاسیرر، هرمان هسه در پروس و فروید، گوستاو کلیمت، گوستاو مالر، آنتوان بروکنر، آرنولد شوئنبرگ، برامس، فون میزس و کارل پوپر در امپراطوری اتریش-مجارستان، یا تولد یافتند یا دوران تبلورشان بود.

در این بین، فیلسوفی به جهان آمد، که هنگام آغاز جنگ در ۱۹۱۴، شانزده سال از عمرش می‌گذشت، فریدریش اگوست فون هایک (۱۸۹۸-۱۹۹۱)، فیلسوف بی‌مثال و ژرف اندیشی که در حالی از جهان رفت که حیاتش تقریباً تمامی قرن بیستم را در برداشت و بیش از هر متفکری طی یک و نیم قرن اخیر، شاهد درستی پیش‌بینی‌های تماماً متکی بر خرد ژرف نگر خویش بود. آنچنان‌به عمق پدیدارها، نفوذ می‌کرد که همواره از تأثیرات ضد تعقل جریان‌ها، حلقه‌های روشنفکری، موج‌های سیاسی و عوام‌زدگی بدور ماند.

هایک در ابتدا در خصوص اقتصاد و سپس گستره روانشناسی و علوم اجتماعی، اندیشه‌های بدیع، انتقادی و ژرف خویش را از ۱۹۲۹ به شکل خاص عرضه داشت. بخشی از دوران تدریس وی از ابتدای دهه ۳۰م در لندن و سپس از ۱۹۵۰ در ایالات متحده و دانشگاه شیکاگو، این بار به عنوان استاد فلسفه اجتماعی و فلسفه اخلاق، در ۱۹۶۲ به دانشگاه فرایبورگ، سپس سالزبورگ و در نهایت سال‌های پایانی حیات بی‌ماندش باز در فرایبورگ گذشت. حقیقت تفکرات ژرف وی ۳ جنبه‌ی بسیار مهم را در بر می‌گرفت: ۱) اولین مفهوم هدایتگر تمامی گستره اندیشه و نوشته‌های وی، نقد و یژه و به حق کم‌نظیر استاد، به مفهوم حقیقت بود؛ هرگز در طی قریب ۷۰ سال هیچگاه، از هیچ مجموعه خاص انسانی-فکری که متأثر از ایدئولوژی‌های ناقض خرد بود، تأثیر نمی‌پذیرفت، الگوی خاصی از حقیقت معرفت و معرفت حقیقی بود که همواره از صحت اندیشه و تئوری‌ها با آن صورت و معنای ذاتی صیانت نمود. در دهه‌های پس از پایان جنگ اول و حضور و تحقق روسیه شوروی با الگوی سوسیالیستی، امواج هیجانی فراوان در حمایت از مارکسیسم-سوسیالیسم و کمونیسم، تعیین می‌یابد که تمامی چهار گوشه جهان بیش، یا کم از آن تأثرات وافر پذیرفته و اغلب روشنفکران از رزالو کزامبورگ، وراسل گرفتند تالو کاج، کامو و سارتر، به قسمی سوسیالیست محسوب می‌شدند، هایک در دوران سیادت تفکرات مارکستی-سوسیالیستی، نه تنها دقیقترین انتقادات را در آثار و سخنرانی‌هایش از سیاست و اقتصاد این گستره، طرح نمود بلکه به‌ویژه پیش‌بینی هایک از فروپاشی مدیریت و اقتصاد سوسیالیستی متمرکز متأثر از دوران جنگ، توسط قاضی و مجری حقیقت که همانا تاریخ بود تأیید گردید.

هایک در کنار همکار و استاد خویش فون میزس، این انتقاد را با این هسته مرکزی طرح نمود که بر نامه‌ریزی اقتصادی سوسیالیست‌ها بر پایه و همیاتی بنا شده که از اساس کاذب است.

سوسیالیست‌ها عقیده دارند که توسط سیستم متقن و منسجمی نیازهای اجتماع و گستره عرضه و تقاضا را ادراک و سپس اقدام می‌نماید در حالی که

از منظر تفکرات هایک این نظام عرضه و تقاضا بدون ساز و کار پوینده و آزادی به نام «بازار» از اساس غلط و بیهوده و خاصه از نظر هایک خطری بزرگ است چرا که این برنامه‌ریزی به تدریج اما بی‌تردید به زندگی خصوصی افراد نیز تسری خواهد یافت و نهایتاً آزادی که والاترین ارزش‌هاست فدای نه عدالت، که توهم عدالت خواهد شد و واقعیتهای که هایک از آن به (سراب عدالت اجتماعی) یاد می‌کند.

۲) دوم مفهوم، شاخص حقیقت محورانه تفکر هایک؛ انتقاد معرفت محورانه و معرفت شناسانه اوست. انتقادهای دقیق، آسیب‌شناسی بدون نقص و ژرف کاوی شناسانه اوست. انتقادهای دقیق، آسیب‌شناسی بدون محورانه و معرفت شناسانه اوست. انتقادهای دقیق، آسیب‌شناسی بدون

## فریدریش فون هایک؛ ماندن برای اندیشیدن

# اندیشه‌های جاودانگی



نقص و ژرف کاوی اوست از همه جنبش‌های ظاهراً برجذبه ولی حقیقتاً عقل‌گریز، خرد ستیز و بی‌حاصل که همانا میلیون‌ها انسان قربانی قطعی آن جنبش‌ها و مرام‌ها گردیدند. فاشیسم حسی ایتالیادر عصر موسولینی، فاشیسم برخاسته از سنت کلیسا و منافع راست‌گرایان اسپانیای در عصر فرانکو و بیش از همه نازیسم تمامیت‌خواه رایش سوم (آلمان) و کمونیسم ارباب ساز و روشنفکر کش شوروی استالینی هر چند انتقادهای وسیعی توسط بسیار اندیشگران در تمامی مغرب زمین و ایالات متحده از فاشیسم-کمونیسم و نازیسم، طرح گردیده بود، اما آنچه در خصوص فون هایک بدیع-اصیل و تأثیر گذار بود، نه نفس انتقاد، که تازگی، عمق کاوی حیرت‌انگیز، همه‌جانبه‌نگری جامعه و حاکمیت‌ها و ریشه‌های معرفتی-تاریخی و اجتماعی آن جریان‌ها بود. حقایق که فی‌المثل در کتاب راه بندگی (۱۹۴۴) و بنیان آزادی، طرح گردیده و گواه بینش برآستی فرا تاریخی و به‌واقع شاهکار ذهن پویشگر اوست. تبعیت بی‌چون و چرا از سیستم در حاکمیت‌های فاشیستی و نازیسم متبلور در آلمان و تا حدی کرواسی دوران استیلای نازی‌ها، در این شعار فاشیست‌های اسپانیا در جنگ داخلی، تعیین می‌یابد «مرده باد عقل-زنده باد مرگ». (اسطوره دولت، مقدمه)

حقیقتی که آثار هایک در تناقض اعلا در جهه با آنست. اعتقاد راسخی که در دورانی بر قلم استاد وینی می‌رفت که حتی هایدگر، بزرگ فیلسوف اگرستانسیال، حامی رایش سوم و شخص (فوهرر) گشت. در این میانه، هایک نه با الفاظی یا هیجان‌های تا حدی نظام‌مند که با استدلال‌های بی‌مانند و دقیق از این معنا می‌گفت: که اگر ماهیت تو تالیترسیم را درک می‌کردند، با تمام قوا در برابر آن می‌ایستادند.

غرض از این اعتقاد است که مشمئز کننده‌ترین خصوصیات رژیم‌های توتالیتار، ناشی از تصادف تاریخی تأسیس آنها به دست مشتی اراذل فرومایه و تبهکاران بی‌سر و پاست) «چرا فرومایه‌ترین عناصر در صدر می‌نشینند؟ از کتاب راه بندگی (۱۹۴۴) مقاله اول) چرا فرومایه‌ترین عناصر در صدر می‌نشینند خود به تنهایی با استدلال‌های وزین و تسلط هایک بر روانشناسی اجتماعی، علوم اجتماعی و اخلاق و سیاست و تاریخچه نهادهای مدنی و سیر تکوینی حاکمیتها در غرب به ویژه تفاوت ژرف تفکر کاملاً کاربر محورانه و ملموس بریتانیائی-با استیلای مفاهیم صرفاً نظری در فرانسه و شقوق ناسیونالیسم، خاصه رومانیسم آلمانی-اتریشی، به چنان تأثیر گذاری در انتقاد

معرفتی، آنتروپومورفیک زبان و معنا، انتقاد از عقلانیت صنع‌گرا، و اعتقاد به اصلاح و رقابت در اجتماع و اقتصاد (بازار) را رقم می‌زند. هایک همسو با فیلسوف اسکاتلندی مورد علاقه‌اش دیوید هیوم در تقابل با فرانسیس بیکن، دکارت و جریان‌های معاصر پیر و آنان در اعتماد بیش از حد به شناخته‌های ممکن الخطای نسبی آدمیان و اعتماد به قدرت تغییر انسان در همه هستی، باور دارد «خردگرایان فرانسوی تحت تأثیر دکارت، قدرت فوق‌العاده و نامحدودی برای عقل قائلند... (دیوید هیوم) مخالف چنین تصویری از عقل است و با تحلیل عقلانی به مبارزه با ادعاهای بلندپروازانه عقل می‌رود. هیوم با تأکید بر محدودیت چاره‌ناپذیر تواناییهای عقل، معتقد است که تنها با شناخت چنین محدودیتی است که می‌توان کارایی و توانائی عملی عقل را افزایش داد» (درباره هایک، موسی غنی‌نژاد-کتاب) معرفت شناسی هایک از این اصل ساده اما پر مغز هایک آغاز می‌گردد که عقل سیر تکوینی دارد، عقل محدودیت دارد و مهمتر از همه، همه کس همه چیز را نمی‌داند. دانش‌ها، اطلاعات و معرفت هر فرد، خاص، محدود و به نحوی جزئی است.

مفهومی که خود، نتیجه شناخت عقل و سپس خود اصلی برای استنتاجهای مهم برای مخالفت با عقلانیت صنع‌گرایی است که همه جامی‌رود و مدعی تغییرات ممکن و مطلوب است.

«در چهارچوب اندیشه هایک، کردار انسانی و ارزشهایی که این کردار بر آن‌ها مبتنی است، از سه منبع سرچشمه می‌گیرند: غرایز طبیعی، آداب و رسوم (قواعد رفتاری خود جوش یا فرهنگ) و قواعد مصنوع آگاهانه عقل بشری» (همان)

همین حدود روشن برای سه مفهوم هدایتگر حیات بشری، سبب شد تا هایک گستره عقل و تغیرات مدنی را نه وانه، و نه همچون صنع‌گرایان هر جای اقلیم هستی و ذهن را ممکن‌التغییر بداند. همین اصل نیز ساحت مدنیت را نزد هایک ترسیم می‌نماید که آدمی نهادهای مدنی را با قصد روشن و عامدیت کامل ایجاد نمود، بلکه بشر قانون، مدنیت و نهادها را از مود آنهم در نظم و کلیتی وسیعتر، سپس با پی‌بردن به فوائد آن، سعی در حفظ و ارتقاء آنها نمود. به عقیده وی «انسان امروزی در واقع، محصول یک جریان تحولی متشکل از دو مرحله بیولوژیکی و فرهنگی است که دومی نسبت به اولی بسیار کوتاه و متاخر است. از دیدگاه هایک هر دو نتیجه ناشی از انتقال ژنتیکی و انتقال فرهنگی را می‌توان سنت نامید اما آنچه مهم است این است که آن‌ها اغلب در تضاد با هم هستند»

هایک رهاشدن بشر از قیود خرد اخلاقی را مطلوب نمی‌داند و از همین وجه نه آزادی محض غرایز را تأیید می‌نماید و نه حاکمیت‌های تمامیت‌طلب را. نزد هایک، هدایک کلی و چهارچوب محور، یعنی «قانون» است. برداشتی همسو با کانت در مابعدالطبیعه اخلاق، و تأیید این اصل که «انسان تا زمانی آزاد است که از هیچ‌کس، جز قانون، اطاعت نکند» میراث ژرف‌نگری، تفکر انتقادی و پویندگی مداوم، از وی همواره فیلسوفی ساخته، که همواره خواهد ماند.

### منابع

- ۱-در سنگر آزادی، هایک، مجموعه مقالات، ترجمه دکتر عزت... فولادوند (نشر لوح فکر)
- ۲-درباره هایک، دکتر موسی غنی‌نژاد (نشر نگاه معاصر)
- ۳-خرد در سیاست، مجموعه مقالات، ترجمه دکتر عزت... فولادوند (نشر لوح فکر)
- ۴-اسطوره دولت، ارنست کاسیرر، ترجمه دکتر... موقن، نشر هرمس

5-(Der Erste Weltkrieg) GEO EPOCHE  
6-(PANORAMA)  
GEOEPOCHEDEUTSCHLAND  
zar KAISERZEIT



### طنز در آثار دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی ۴/

## نیست که نیست!

را انکار نمی کنم، پدرکشتگی هم با هیچ پادشاهی ندارم، حتی از شما چه پنهان، اصلا در این دنیا هیچ کس اگر نان پادشاهان را نخورد، این ما معلمین تاریخ هستیم که نان پادشاهان را می خوریم. من همیشه کوشش کرده‌ام کارهای خوب پادشاهان را خوب بگویم و کارهای بد آنان را بد.

مرا زیب و زنبور در کیش هست

چو زنبور، هم نوش و هم نیش هست
به همین دلایل، من ج‌سای دیگر اظهارنظر کرده‌ام که ایرانی‌ها باید مجسمه نادرشاه را اول از طلا بسازند!

و سپس آن را آتش بزنند!

**کرم‌ان؛ مأمین اضداد!**

... من یک وقت یک جایی ثابت کرده‌ام که کرم‌ان، تنها جایی است که در آنجا، هم قاضی ختنی می‌تواند قضاوت کند، و هم ترکان خاتون قراخانی می‌تواند حکومت کند، زیرا مردم کرم‌ان از یک تورانس و سازی برخوردارند که در جای دیگر کمتر دیده می‌شود، و به همین دلیل، ترک و تاجیک، صوفی و شیخی، متشرع و کل شئی، همه و همه در آنجا قرن‌ها و سال‌ها با هم زیست کرده‌اند. باستانی در توجیه این ادعا و اثبات نظرش، می‌نویسد:

کرم‌ان تنها جایی است که وقتی در کنگره کرم‌ان‌شناسی چند تن به

سخنرانی پرداختند، در این میان، شاه جمشید سروشیان – که زرتشتی بود، نیز سخنرانی داشت. او طبعاً نه تنها سخنرانی خود را بدون بسم‌الله شروع کرد، بلکه با آهنگی بسیار دلپذیر، بخش‌هایی از اوستا – یشت‌ها را در ستایش اهورامزدا – خواند و چون صحبت او تمام شد، همه برایش دست زدند – حتی آن روحانیون و آلاحق‌هایی که در مجلس بودند – و کم هم نبودند – از جمله، حجت‌الاسلام داعی و حجت‌الاسلام حجتی، و چون سخنان قاسم سلیمانی – فرمانده سپاه ثارالله – فرمانده کل کنونی سپاه پاسداران – به پایان رسید، همه حاضران مجلس، از جمله زرتشتی‌ها – و حتی موبدان حاضر در مجلس برایش صلوات فرستادند و جالب آنکه رئیس این جلسه – آقای حجت‌الاسلام حجتی جدیدالاسلام بود!

**کو سمرقند و بخاری ما؟!**  
دکتر باستانی پاریزی در ادامه سفرنامه کاری

قزاقستان هم می‌نویسد:

... البته اگر جمهوری اسلامی توقع داشته باشد که با

دویست دلاری که به عنوان خرج سفر برای قزاقستان به مخلص داده است، یعنی نداده، بلکه فروخته است – آری، اگر توقع داشته باشد بنده در ازاء این دویست دلار، بروم ماوراءالنهر، و سپس سمرقند و بخارا به دست بگیرم، و این یکی را توی این لنگه خورجین بگذارم، و یکی را توی لنگه دیگر خورجین، و به عنوان سوغات برای جمهوری اسلامی ایران باز پس بیاورم، سمرقند و بخارایی که یک بار حافظ به کلی حاتم‌بخشی کرده و گفت: اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را و برای بار دوم و سوم، بعد از نادر شاه و فتحعلی شاه و بالاخره ناصرالدین شاه، رسماً آن را باز پس بگیرم، البته باید بگویم که هنوز هم مخلص ساخته نیست، ما را با شاخ گاو جنگ نیندازد.

البته مخلص در این سفر دور و دراز، متأسفانه،

نه سمرقند را دید و نه بخارا را. گفتند: می‌ماند برای فردای نزدیک و شاید هم فردای قیامت! ... بنابراین، ما باز کشیم، در حالی که به قول اقبال لاهوری:

به دست ما، نه سمرقند و نه بخارایی
دعا بگو به فقیران ترک شیرازی
پایان

ادامه از صفحه اول

در حقیقت، ایرج افشار، برای اولین بار، ایرانشناسی را از میدان نظر به ساخت عمل برد و به جای نوشتن با قلم، رفتن با گام را وارد حوزه ایرانشناسی کرد. بماند که تعداد آثار چاپ شده او، بیش از ۳۰۰ عنوان است و آثار چاپ نشده‌اش قریب ۵۰ جلد کتاب که هر کدام دریایی است به وسعت ایران تاریخی و سخن گفتن از آن همه تحقیق و آن همه کشف و آگاهی و دانایی، نیازمند مجالی وسیع است.

در این مقال، بسر آئیم که از مردی دیگر از تبار افشارها سخن بگویم و اندکی از هزارها حق و بزرگی یکی دیگر از خادمان بیریا، و مخلص فرهنگ معاصر را

بر زبان برانیم به این امید که این موضوع مقدمه ای برای ادای حق باشد که سختکوشانی چون خسرو افشار بر این آب و خاک دارند و فراموش کردن و نادیده گرفتن و نسافته ندادنش زبینه نیست. فراموش نکنیم که: من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق.

مؤسسه اطلاعات این توفیق و افتخار را داشته است که در چند سال گذشته، از همراهی و همیاری استاد خسرو افشار بهره‌مند باشد. طبعیه این همراهی با چاپ یادداشتی بود که آقای دکتر فضل الله رضا درباره زنده یاد دکتر محمود افشار نوشته بود و به فرزند آن فقید سپرده بود. استاد خسرو افشار موضوع را با آقای دکتر اسلامی ندوشن در میان نهداند و ایشان نیز طبیعتاً روزنامه اطلاعات را مناسب ترین نشریه برای چاپ این مطلب تشخیص دادند. و چنین بود که در یکی از روزهای پاییزی سال ۱۳۹۰ جناب خسرو افشار به

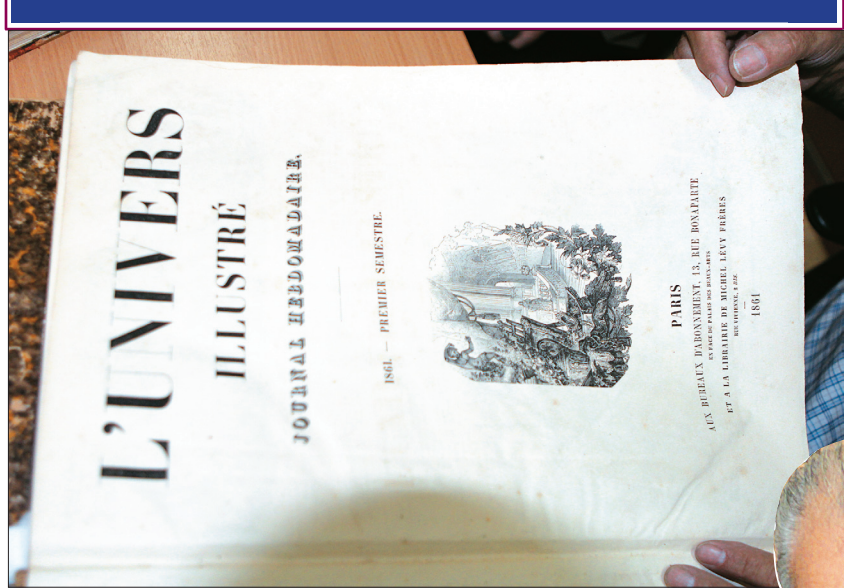
مؤسسه آمد و از نزدیک با بخشهای مختلف مؤسسه آشناشد. او آن روز با مشاهده تحریریه روزنامه و نیز ملاحظه بخشهایی چون: چاپخانه، آرشیو، کتابخانه و

گذاشت که در آذر ماه سال گذشته، در دو شماره به صورت مفصل منتشر شد.

این اتفاق درست زمانی جامه تحقق پوشید که

### استاد خسرو افشار در مؤسسه اطلاعات

## ارمغانی از فرهنگ



دیگر قسمتهای مؤسسه بسیار تحت تاثیر گرفت و ضمن ابراز خوشحالی، اظهار داشت که مطالبی قدیمی و تاریخی از مندرجات روزنامه های فرانسوی و انگلیسی زبان در اختیار دارد که بی گمان نگهداری و چاپ برخی از مطالب آنها در روزنامه بسیار خوب خواهد بود و قول داد که در اولین فرصت، مطالب مورد نیاز را آچی کند و به بخش فرهنگی روزنامه ارسال کند.

با چاپ مطلب آقای پروفوسور رضا در چندین شماره، علاوه بر برقراری ارتباط با استاد، رابطه آقای افشار نیز با مؤسسه عمق یافت؛ به گونه ای که ایشان تنها مصاحبه مورد تاییدش در مورد کارنامه شخصی و فعالیت‌های چند ده‌ساله‌اش در ایران و کانادا را برای چاپ در اختیار ما



**نوشترای استاد دکتر رضا داوری‌رکمانی**

## دانشمندی و روشنفکری

ادامه از صفحه اول

اکنون بیشترین امیدی که هست امید به علم است و این توقع به وجود آمده است که روشنفکران به دانشمند و شأن پژوهش در جهان کنونی توجه و تأسی کنند. دانشمندان هم بگویند با پژوهش‌های متناسب راهی برای حل مشکلات و برآی مقابله با آسیب‌هایی که آینده بشر را تهدید می‌کند بیابند. دانشمندان بخصوص وقتی به خطرهای احتمالی که

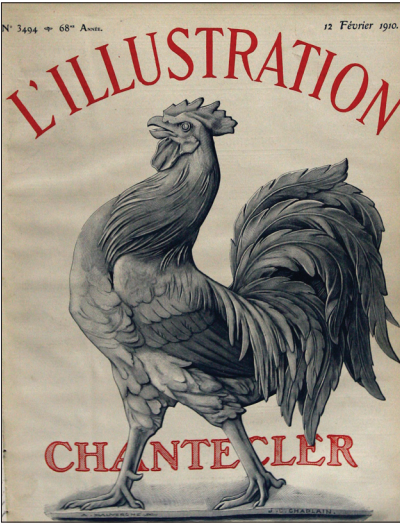
خبر دادند و گفتند که بنا دارند با اجازه پزشک معالج، در خردادماه به ایران سفر کنند. با استقبال از این خبر، از ایشان قول گرفتیم که روزی در مؤسسه خدمتشان باشیم که این واقعه خوشحال کننده هفته قبل روی داد و استاد بعد از ظهر یک روز بهاری به مؤسسه اطلاعات آمد، بادستانی پر و ارمغانهایی ارزشمند که بهانه نگارش این مقاله است.

استاد خسرو افشار، علاوه بر وفا کردن به قولی که سه سال قبل داده بودند، از سر لطف، چندین مجلدات از قدیم ترین نشریات فرانسه زبان و انگلیسی زبان را به کتابخانه و آرشیو موسسه اطلاعات اهدا کردند؛ چسرا که معتمدند: آرشیو روزنامه اطلاعات یکی از مناسب ترین مراکزی است که این نشریات باید در آنجا محفوظ بماند و مورد استفاده محققان و استادان و دست‌اندرکاران فرهنگ قرار بگیرد.

ضمن سپاس ویژه و ارج گذاری از این اقدام فرهنگ دوستانه استاد خسرو افشار، لازم می‌دانیم به معرفی اجمالی نسخه‌ها و مجلدات اهدایی استاد اقدام کنیم تا اهمیت آنچه‌استاد به عنوان ارمغان به روزنامه اطلاعات اهدا کردند، برای اهل تحقیق روشن تر شود.

بخش عمده مجموعه اهدایی استاد افشار مجداتی صحافی شده از مجله بسیار معروف LILLUSTRATION است که شامل سالها و تاریخهای زیر می باشد: ۱۸۹۰/۱۸۹۳/۱۸۹۴/۱۹۰۸/۱۹۰۹/۱۹۰۸/۱۹۰۹.

مجموعه دیگر اهدایی عبارت است از: مجله کاریکاتور PUNCH انگلیسی در چهار مجلد و



هر مجلد تاریخ سال ۱۹۰۶ را دارد و یک شماره نیز مربوط است به سال ۱۸۸۰ که قدیمی ترین شماره ممکن است.

یک مجلد نیز مجله REVUE DE LA تاریخ ۱۹۱۴ را بر پیشانی دارد و مجموعه اهدایی استاد افشار را غنی کرده است. یکی دیگر از فرمونه های اهدایی، هفته نامه luniversillustre با مجموعه است به

تاریخ ۱۸۶۱ و حاوی نقاشیهایی با سوژه های خیری و غیر خیری که بعضاً در نوع خود منحصر به فرد است. استاد خسرو افشار در کنار این مجموعه، چندین نامه از پدر داستاننویسی ایران زنده یاد سید محمدعلی جمال‌الزاده به خودش و نیز دو نامه از داستان نویس بزرگ مقیم آلمان زنده یاد بزرگ علوی را که به صورت دستخط اصلی بود، اهدا کردند که در شماره های آتی ضمیمه فرهنگی به تائوب منتشر خواهد شد.

در جلسه ای که استاد افشار این مجموعه را اهدا کردند، شاهد توضیحات استاد برای حضاران بودیم که ضمن ورق زدن این نشریات قدیمی و بارزش، کاریکاتورهایی را که در سالهای پیش از مشروطه از ناصرالدین شاه در فرنگ کشیده شده بود، نشان دادند و بازگو کردند که در سفرهایی که حکام ایرانی به غرب داشتند، نوع نگاه نشریات و رسانه های غربی به آنها چگونه بود.

روشن است که واکاوی این مباحث به عهده متخصصان و صاحب نظران تاریخ است و می‌توان از این مطالب و جنبه های طنز آمیز و جدی آنها برای ایضاح تاریخ مشروطه و قبل و بعد از آن بسیار سود جست.

استفاده دیگری که این مجموعه برای اهل تحقیق دارد، ملاحظه سیر روزنامه نگاری غرب در اوایل قرن بیستم است و نشان می‌دهد زمانی که ایران در نا آگاهی حاصل از استبداد قاجاری، از هر نوع تحرک علمی و اجتماعی محروم بود، غرب به لحاظ سیاسی و اجتماعی و آزادهای مدنی چه جایگاهی داشت.

نیز می‌توان از نوع چاپ و چند و چون کارهای چاپی غرب در آن سالها اطلاع حاصل کرد که در غیبت لوازم امروزی، بخصوص نبود عکس و دوربین عکاسی، غالب تصویرها به صورت نقاشی و کلیشه است و در جهت هنری نیز بسیاری از تصاویر چاپ شده قابل اعتناست.

گفتنی است که یکی از اهدایای جانبی استاد که از لندن تهیه شده است، عکس رنگی سران متفقین در تهران است، به انضمام مینیاتوری که مرحوم مصورالممالک در این زمینه کشیده است: نبرد گاهی که سران متفقین (آلمان، ایتالیا و ژاپن) در یک سو و سران متحدین (آمریکا، شوروی و انگلستان) در سوی دیگر در حال جنگ و سستیند؛ آن هم با حال و هوای مرسوم نگاره‌های ایرانی. بنا بر توضیح آقای افشار، مصورالممالک سه نسخه از این نگاره ترسیم کرده بود که به روزولت، استالین و چرچیل در تهران تقدیم کرده بود و احتمالاً چرچیل مینیاتور خود را در لندن به حراج گذاشته بود که تصویر آن به دست استاد افشار رسید و ایشان آن را به ما بخشیدند.

مؤسسه اطلاعات ضمن سپاس از حضرت آقای خسرو افشار، برای این خادم بی توقع و بی ریای فرهنگ آرزوی سلامت و توفیق دارد. از خداوند متعال می‌خواهیم که به فرهنگ‌بانی چون استاد عزیز توفیق دهد تا شاهد خدمات نمایانشان به فرهنگ و اصحاب فرهنگ باشیم.

روشنفکری ندارد. در کشور ما وقتی روشنفکری از جهت سیاسی کارش دشوار شد صورتی از گفتار سیاسی شبه روشنفکری پدید آمد که نام روشنفکری دینی گرفت. که آن هم چنانکه باید راه به جایی نبرد. در اروپای غربی و آمریکای پیشین به روشنفکری به معنی خاص کلمه اقتصاد کم و بیش به نحو هماهنگ بسط می‌یافت و روشنفکران نظرات می‌کردند که اگر در جایی خللی وجود دارد و مخصوصاً اگر سیاستمداران در کار خود یاد را سیاست‌هایی که پیش گرفته بودند جانب آزادی و عدالت را رعایت نمی‌کردند با بانگ بلند و زبان رسا از آنان بازخواست کنند اما روشنفکر جهان توسعه نیافته یا در راه توسعه که هرگز در جهان هماهنگ به سر نمی‌برده است و مخصوصاً اکنون که هماهنگی در همه جا بیشتر شده است، نمی‌داند که چه باید بکند و بگوید و قباب ژنده خود را به نجای شب سر گردانی تاریخ بپایوزد. هر دوام دانشمندان ناظر به اوضاع جهان و کشور خویشند. این

### منظره



### آقای دکتر! منظره دکتر مصدق و سید ضیاء۴/

**سید ضیاء:** یکی از بزرگترین خطبای فرانسه در مدت ۴۰ سال کلمانسو بود. این کلمانسو در هیچ اداره سابقه نداشت

**دکتر مصدق:** وکیل بود.

**سید ضیاء:** (استدعامی کنم بین عرایض بنده فرمایشی نماید، بگذاردید که بنده عرایض خود را عرض کنم. بنده دفعه اول است که به پارلمان آمدم. شما که سابقه دارید در پارلمان باید پارلمانی بودن به بنده یاد بدهید (صحیح است) دیروز فرمودید که یک روزنامه‌نویس نمی‌تواند رئیس الوزرا بشود مگر اینکه سابقه کار ادارات دولتی داشته باشد.

**دکتر مصدق:** طی مراحل عرض کردم

**رئیس:** آقا تذکر می‌دهم.

**سید ضیاء:** بنده یا جواب آقا را باید عرض کنم یا عرایض خود را باید عرض کنم (بعضی از نمایندگان: خطبایان به ما باشند) پس بنده فرمایشات جنابعالی را نمی‌شنوم به هر حال بنده می‌خواهم این مطلب در این مملکت حل شود که هر کس که لیاقت داشته باشد می‌تواند رئیس الوزرا بشود خواه دوله، خواه سلطنته، خواه تاجر، خواه بزرگ و خواه حمال.

**صفوی:** خواه روزنامه‌نویس.

**سید ضیاء:** ریاست وزرایی ارث نیست، وزارت

ارث نیست، این اهانت ایشان به عالم مطبوعات همان مطبوعات که اجازه داد که آقای دکتر بیایند اینجا و به اسم ملت حرف بزنند به مطبوعات توهین شد. وقتی که من آمدم روزنامه‌نویس شدم، شما و امثال شما این را یک کار مبتدلی می‌دانستید حتی در تحت تأثیر عقاید امثال شما پدر مرحومم به من گفت ای خدا کار من به کجا رسیده است که سر من باید روزنامه‌نویس باشد ولی من اهمیت مطبوعات را می‌دانستم و نویسندگان را همدوش انبیا و بزرگان و مربی بشر و مربی هیات اجتماعی می‌دانستم. آقای دکتر! اگر اساتذ ادبی نسبت به ملک‌ها و دوله‌ها و سلطنه‌ها شد از این جهت دولی بنده انکار نمی‌کنم و تقدیر می‌کنم در مملکت ایران رجال باشراف و حقیقت و خدمتگذاری بودند که دارای لقب ملک و دوله و سلطنه بودند مثل مرحوم ناصرالملک، مرحوم مستوفی الممالک، مرحوم مشیرالدوله، آقای مؤتمن‌الملک، آقای ضیاءالملک که از دیروز سر ملک به بنده با نظر بی لطفی نگاه می‌کنند. بنده ایشان را از اشتخاص شریف می‌دانم و با اینکه ضیاءالملک هستند ایشان را شخص شریفی می‌دانستم و قصد توهین نبود و بین محبوسین هم آن‌هایی که محبوس بودند عرض نکردم که خائن بودند، عرض نکردم بی‌شرف بودند، عرض نکردم بد بودند، عرض نکردم خوب بودند، بنده آن‌ها را محاکمه کرده بودم و کسی را که محاکمه نکرده بودم نمی‌توانم درباره‌شان قضاوت کنم و فقط عرض کردم که یک نفر رئیس الوزرا در ۱۲۹۹ که قانون مجازات عمومی در این مملکت وضع نشده بود و حبس کردن مردم این مملکت برای وزیر و کدخد و حاکم یک امر عادی بود.

بنده نظر به مسئولیت خود مقتضی دیدم که یک‌عده را که کارهای مملکت را فلج می‌کردند آن‌ها را تحت نظر قرار بدهم ولی البته بنده روزی که آن‌ها را تحت نظر قرار دادم یک عده‌ای را بنده این طور کردم و اقرار هم می‌کنم پیش از اینکه رئیس الوزرا بشوم این کار را بنده با اینکه سراد سپه اینجا نیست از جوانمردی من دور است که او را متهم کنم و بگویم او کرد خیر بنده کردم، یک عده را من اسم بردم و یک عده را گفتم هر کسی را که خودتان تصور می‌کنید بگیرید و یک عده را خودتان آزاد کنید، از جمله مرحوم سردار معظم که یک ماه و نیم بعد از کودتا بدون اطلاع من ایشان را در تحت نظر قرار دادند. پس از آن بنده مقتضی دانستم که ایشان را بگویم تشریف ببرند به قم برای زیارت.

**دکتر مصدق:** مدرس!

**سید ضیاء:** همان مدرس مرحوم تشریف بردند به قزوین، در قزوین آزاد بودند، از اهالی قزوین تحقیق کنید، با کمال آزادی آنها بودند.



### طنز در آثار دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی ۴/

## نیست که نیست!

را انکار نمی کنم، پدرکشتگی هم با هیچ پادشاهی ندارم، حتی از شما چه پنهان، اصلا در این دنیا هیچ کس اگر نان پادشاهان را نخورد، این ما معلمین تاریخ هستیم که نان پادشاهان را می خوریم. من همیشه کوشش کرده‌ام کارهای خوب پادشاهان را خوب بگویم و کارهای بد آنان را بد.

مرا زیب و زنبور در کیش هست

چو زنبور، هم نوش و هم نیش هست
به همین دلایل، من ج‌سای دیگر اظهارنظر کرده‌ام که ایرانی‌ها باید مجسمه نادرشاه را اول از طلا بسازند!

و سپس آن را آتش بزنند!

**کرم‌ان؛ مأمین اضداد!**

... من یک وقت یک جایی ثابت کرده‌ام که کرم‌ان، تنها جایی است که در آنجا، هم قاضی ختنی می‌تواند قضاوت کند، و هم ترکان خاتون قراخانی می‌تواند حکومت کند، زیرا مردم کرم‌ان از یک تورانس و سازی برخوردارند که در جای دیگر کمتر دیده می‌شود، و به همین دلیل، ترک و تاجیک، صوفی و شیخی، متشرع و کل شئی، همه و همه در آنجا قرن‌ها و سال‌ها با هم زیست کرده‌اند. باستانی در توجیه این ادعا و اثبات نظرش، می‌نویسد:

کرم‌ان تنها جایی است که وقتی در کنگره کرم‌ان‌شناسی چند تن به

سخنرانی پرداختند، در این میان، شاه جمشید سروشیان – که زرتشتی بود، نیز سخنرانی داشت. او طبعاً نه تنها سخنرانی خود را بدون بسم‌الله شروع کرد، بلکه با آهنگی بسیار دلپذیر، بخش‌هایی از اوستا – یشت‌ها را در ستایش اهورامزدا – خواند و چون صحبت او تمام شد، همه برایش دست زدند – حتی آن روحانیون و آلاحق‌هایی که در مجلس بودند – و کم هم نبودند – از جمله، حجت‌الاسلام داعی و حجت‌الاسلام حجتی، و چون سخنان قاسم سلیمانی – فرمانده سپاه ثارالله [فرمانده کل کنونی سپاه پاسداران] به پایان رسید، همه حاضران مجلس، از جمله زرتشتی‌ها – و حتی موبدان حاضر در مجلس برایش صلوات فرستادند و جالب آنکه رئیس این جلسه – آقای حجت‌الاسلام حجتی جدیدالاسلام بود!

**کو سمرقند و بخاری ما؟!**  
دکتر باستانی پاریزی در ادامه سفرنامه کاری

قزاقستان هم می‌نویسد:

... البته اگر جمهوری اسلامی توقع داشته باشد که با دویست دلاری که به عنوان خرج سفر برای قزاقستان به مخلص داده است، یعنی نداده، بلکه فروخته است – آری، اگر توقع داشته باشد بنده در ازاء این دویست دلار، بروم ماوراءالنهر، و سپس سمرقند و بخارا به دست بگیرم، و این یکی را توی این لنگه خورجین بگذارم، و یکی را توی لنگه دیگر خورجین، و به عنوان سوغات برای جمهوری اسلامی ایران باز پس بیاورم، سمرقند و بخارایی که یک بار حافظ به کلی حاتم‌بخشی کرده و گفت: اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را و برای بار دوم و سوم، بعد از نادر شاه و فتحعلی شاه و بالاخره ناصرالدین شاه، رسماً آن را باز پس بگیرم، البته باید بگویم که هنوز هم مخلص ساخته نیست، ما را با شاخ گاو جنگ نیندازد.

البته مخلص در این سفر دور و دراز، متأسفانه،

نه سمرقند را دید و نه بخارا را. گفتند: می‌ماند برای فردای نزدیک و شاید هم فردای قیامت!... بنابراین، ما باز کشیم، در حالی که به قول اقبال لاهوری:

به دست ما، نه سمرقند و نه بخارایی
دعا بگو به فقیران ترک شیرازی
پایان

ادامه از صفحه اول

در حقیقت، ایرج افشار، برای اولین بار، ایرانشناسی را از میدان نظر به ساخت عمل برد و به جای نوشتن با قلم، رفتن با گام را وارد حوزه ایرانشناسی کرد. بماند که تعداد آثار چاپ شده او، بیش از ۳۰۰ عنوان است و آثار چاپ نشده‌اش قریب ۵۰ جلد کتاب که هر کدام دریایی است به وسعت ایران تاریخی و سخن گفتن از آن همه تحقیق و آن همه کشف و آگاهی و دانایی، نیازمند مجالی وسیع است.

در این مقال، بسر آئیم که از مردی دیگر از تبار افشارها سخن بگویم و اندکی از هزارها حق و بزرگی یکی دیگر از خادمان بیریا، و مخلص فرهنگ معاصر را

بر زبان برانیم به این امید که این موضوع مقدمه ای برای ادای حق باشد که سختکوشانی چون خسرو افشار بر این آب و خاک دارند و فراموش کردن و نادیده گرفتن و نسافته ندادنش زبینه‌اند نیست. فراموش نکنیم که: من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق.

مؤسسه اطلاعات این توفیق و افتخار را داشته است که در چند سال گذشته، از همراهی و همیاری استاد خسرو افشار بهره‌مند باشد. طبعیه این همراهی با چاپ یادداشتی بود که آقای دکتر فضل الله رضا درباره زنده یاد دکتر محمود افشار نوشته بود و به فرزند آن فقید سپرده بود. استاد خسرو افشار موضوع را با آقای دکتر اسلامی ندوشن در میان نهداند و ایشان نیز طبیعتاً روزنامه اطلاعات را مناسب ترین نشریه برای چاپ این مطلب تشخیص دادند. و چنین بود که در یکی از روزهای پاییزی سال ۱۳۹۰ جناب خسرو افشار به

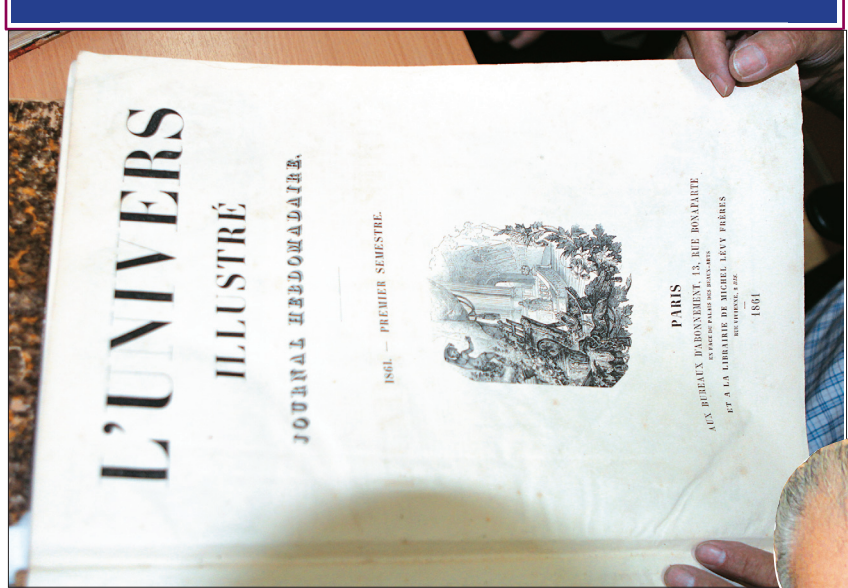
مؤسسه آمد و از نزدیک با بخشهای مختلف مؤسسه آشناشد. او آن روز با مشاهده تحریریه روزنامه و نیز ملاحظه بخشهایی چون: چاپخانه، آرشیو، کتابخانه و

گذاشت که در آذر ماه سال گذشته، در دو شماره به صورت مفصل منتشر شد.

این اتفاق درست زمانی جامه تحقق پوشید که

### استاد خسرو افشار در مؤسسه اطلاعات

## ارمغانی از فرهنگ



دیگر قسمتهای مؤسسه بسیار تحت تاثیر گرفت و ضمن ابراز خوشحالی، اظهار داشت که مطالبی قدیمی و تاریخی از مندرجات روزنامه های فرانسوی و انگلیسی زبان در اختیار دارد که بی گمان نگهداری و چاپ برخی از مطالب آنها در روزنامه بسیار خوب خواهد بود و قول داد که در اولین فرصت، مطالب مورد نیاز را آچی کند و به بخش فرهنگی روزنامه ارسال کند.

با چاپ مطلب آقای پروفوسور رضا در چندین شماره، علاوه بر برقراری ارتباط با استاد، رابطه آقای افشار نیز با مؤسسه عمق یافت؛ به گونه ای که ایشان تنها مصاحبه مورد تاییدش در مورد کارنامه شخصی و فعالیت‌های چند ده‌ساله‌اش در ایران و کانادا را برای چاپ در اختیار ما

آینده را تهدید می کند می‌اندیشند احساس می کنند که باید به فکر چاره کردن باشند. همین اندیشه است که دانشمندان را به عالم متروک روشنفکری می کشاند و او را بر آن می دارد که با روشنفکر هم سخن شود و قدری از وظیفه او رانیز به عهده گیرد. در این طریق است که دانشمند جای روشنفکر را می گیرد. اکنون که کم و بیش پژوهندگان و دانشمندان جای روشنفکران را گرفته‌اند باید ببینیم دوران دانشمند – روشنفکر چه مدت طول می کشد و به کجا می رسد.

۱- روشنفکران دیگر در هیچ جای جهان نفوذ و تأثیری که در هفتاد سال اول قرن بیستم داشتند ندارند. در جهان در حال توسعه هم اگر هنوز جایی برای گفتار روشنفکری وجود داشته باشد روشنفکریش ریشه در زمین تاریخ ندارد و به این جهت نفوذ و تاثیر روشنفکران با آسیب‌هایی که آینده بشر را تهدید می کند ببایند. دانشمندان بخصوص وقتی به خطرهای احتمالی که مدار حق و قانون دفاع می کند اما آشوبی که در تاریخ روشنفکری پدید آمده معنی اصطلاح را هم دستخوش اضطراب کرده است به قسمی که معلوم نیست عنوان و صفت روشنفکر را به چه کسانی با چه اوصافی باید داد. بعضی از روشنفکران، روشنفکر به معنی خاص کلمه هستند و بعضی دیگر دانشمندان پاسدار دانش جهان جدیدند که سری هم در سیاست دارند. از این میان، نویسندگان فلسفی مدافع تجدید و بیشتر اعضای گروه اول یا در سیاست‌هایی که پیش گرفته بودند جانب آزادی و عدالت را رعایت نمی کردند با بانگ بلند و زبان رسا از آنان بازخواست کنند اما روشنفکر جهان توسعه نیافته یا در راه توسعه که هرگز در جهان هماهنگ به سر نمی برده است و مخصوصاً اکنون که هماهنگی در همه جا بیشتر شده است، نمی داند که چه باید بکند و بگوید و قباب ژنده خود را به نجای شب سر گردانی تاریخ بپایوزد. هر دوام دانشمندان ناظر به اوضاع جهان و کشور خویشند. این اگر بگویند از جای‌هایی می گویند که ربطی به روشنفکر

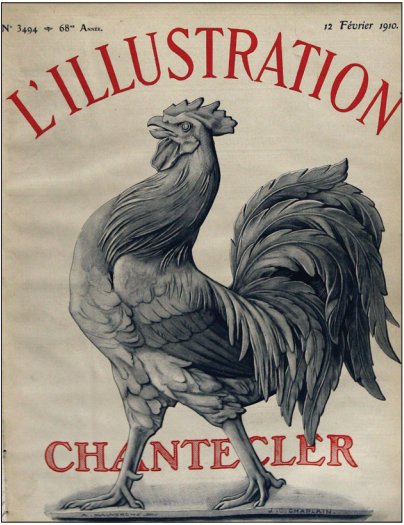
خبر دادند و گفتند که بنا دارند با اجازه پزشک معالج، در خردادماه به ایران سفر کنند. با استقبال از این خبر، از ایشان قول گرفتیم که روزی در مؤسسه خدمتشان باشیم که این واقعه خوشحال کننده هفته قبل روی داد و استاد بعد از ظهر یک روز بهاری به مؤسسه اطلاعات آمد، بادستانی پر و ارمغانهایی ارزشمند که بهانه نگارش این مقاله است.

استاد خسرو افشار، علاوه بر وفا کردن به قولی که سه سال قبل داده بودند، از سر لطف، چندین مجلدات از قدیم ترین نشریات فرانسه زبان و انگلیسی زبان را به کتابخانه و آرشیو موسسه اطلاعات اهدا کردند؛ چسرا که معتمدند: آرشیو روزنامه اطلاعات یکی از مناسب ترین مراکزی است که این نشریات باید در آنجا محفوظ بماند و مورد استفاده محققان و استادان و دست‌اندرکاران فرهنگ قرار بگیرد.

ضمن سپاس ویژه و ارج گذاری از این اقدام فرهنگ دوستانه استاد خسرو افشار، لازم می دانیم به معرفی اجمالی نسخه‌ها و مجلدات اهدایی استاد اقدام کنیم تا اهمیت آنچه استاد به عنوان ارمغان به روزنامه اطلاعات اهدا کردند، برای اهل تحقیق روشن تر شود.

بخش عمده مجموعه اهدایی استاد افشار مجداتی صحافی شده از مجله بسیار معروف LILLUSTRATION است که شامل سالها و تاریخهای زیر می باشد: ۱۸۹۰/۱۸۹۳/۱۸۹۴/۱۹۰۷/۱۹۰۸/۱۹۱۰/۱۹۰۸.

مجموعه دیگر اهدایی عبارت است از: مجله کاریکاتور PUNCH انگلیسی در چهار مجلد و



هر مجلد تاریخ سال ۱۹۰۶ را دارد و یک شماره نیز مربوط است به سال ۱۸۸۰ که قدیمی ترین شماره ممکن است.

یک مجلد نیز مجله REVUE DE LA تاریخ ۱۹۱۴ را بر پیشانی دارد و مجموعه اهدایی استاد افشار را غنی کرده است. یکی دیگر از فرمونه های اهدایی، هفته نامه luniversillustre با مجموعه است به

تاریخ ۱۸۶۱ و حاوی نقاشیهایی با سوژه های خیری و غیر خیری که بعضاً در نوع خود منحصر به فرد است. استاد خسرو افشار در کنار این مجموعه، چندین نامه از پدر داستاننویسی ایران زنده یاد سید محمدعلی جمال‌الزاده به خودش و نیز دو نامه از داستان نویس بزرگ مقیم آلمان زنده یاد بزرگ علوی را که به صورت دستخط اصلی بود، اهدا کردند که در شماره های آتی ضمیمه فرهنگی به تائوب منتشر خواهد شد.

در جلسه ای که استاد افشار این مجموعه را اهدا کردند، شاهد توضیحات استاد برای حضاران بودیم که ضمن ورق زدن این نشریات قدیمی و بارزش، کاریکاتورهایی را که در سالهای پیش از مشروطه از ناصرالدین شاه در فرنگ کشیده شده بود، نشان دادند و بازگو کردند که در سفرهایی که حکام ایرانی به غرب داشتند، نوع نگاه نشریات و رسانه های غربی به آنها چگونه بود.

روشن است که واکاوی این مباحث به عهده متخصصان و صاحب نظران تاریخ است و می توان از این مطالب و جنبه های طنز آمیز و جدی آنها برای ایضاح تاریخ مشروطه و قبل و بعد از آن بسیار سود جست.

استفاده دیگری که این مجموعه برای اهل تحقیق دارد، ملاحظه سیر روزنامه نگاری غرب در اوایل قرن بیستم است و نشان می دهد زمانی که ایران در نا آگاهی حاصل از استبداد قاجاری، از هر نوع تحرک علمی و اجتماعی محروم بود، غرب به لحاظ سیاسی و اجتماعی و آزادهای مدنی چه جایگاهی داشت.

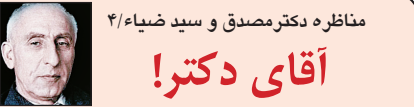
نیز می توان از نوع چاپ و چند و چون کارهای چاپی غرب در آن سالها اطلاع حاصل کرد که در غیبت لوازم امروزی، بخصوص نبود عکس و دوربین عکاسی، غالب تصویرها به صورت نقاشی و کلیشه است و در جهت هنری نیز بسیاری از تصاویر چاپ شده قابل اعتناست.

گفتنی است که یکی از اهدایای جانبی استاد که از لندن تهیه شده است، عکس رنگی سران متفقین در تهران است، به انضمام مینیاتوری که مرحوم مصورالممالک در این زمینه کشیده است: نبرد گاهی که سران متفقین (آلمان، ایتالیا و ژاپن) در یک سو و سران متحدین (آمریکا، شوروی و انگلستان) در سوی دیگر در حال جنگ و سستیند؛ آن هم با حال و هوای مرسوم نگاره‌های ایرانی. بنا بر توضیح آقای افشار، مصورالممالک سه نسخه از این نگاره ترسیم کرده بود که به روزولت، استالین و چرچیل در تهران تقدیم کرده بود و احتمالاً چرچیل مینیاتور خود را در لندن به حراج گذاشته بود که تصویر آن به دست استاد افشار رسید و ایشان آن را به ما بخشیدند.

مؤسسه اطلاعات ضمن سپاس از حضرت آقای خسرو افشار ، برای این خادم بی توقع و بی ریای فرهنگ آرزوی سلامت و توفیق دارد. از خداوند متعال می خواهیم که به فرهنگ‌بانی چون استاد عزیز توفیق دهد تا شاهد خدمات نمایانشان به فرهنگ و اصحاب فرهنگ باشیم.

گروه برای اینکه در نظارت بر گردش چرخ امور کشور جاننشین شایسته روشنفکران باشند باید به دولت‌ها و مردم بگویند که با تغییرهایی که در محیط زیست پدید آمده و با این همه تصرفاتی که در منابع طبیعی و انسانی صورت یافته است می گیرد، علم چه مددی می تواند به حل مسائل و رفع مشکلات بکند. الفی مثل وقتی می دانیم که کشور کم آب ما رو به خشک شدن می رود بای آبی چه باید بکنیم. آیا آب نوشیدنیمان را هم باید از خارج وارد کنیم و... دانشمندان از هوا و دسرا و زبان و فرهنگ و تکنولوژی نیز بسیار چیزها می توانند بگویند که مایه تذکر باشد اهل فلسفه نیز باید با دانشمندان همراهی کنند و مخصوصاً به وضع جهان توسعه نیافته و بی‌قوای این جهان و سرپوهای مردمش در پیروی بدون تأمل از رسوم و ظواهر جهان متجدد و تلقی فرهنگ و دانش به عنوان وسائل و اشیاء مصرفی و مصرف بی‌رویه منابع انرژی و آلوده کردن محیط زیست و... ببیند. بشند.

#### منظره



**منظره دکتر مصدق و سید ضیاء ۴/**

### آقای دکتر!

**سید ضیاء:** یکی از بزرگترین خطبای فرانسه در مدت ۴۰ سال کلماتسو بود. این کلماتسو در هیچ اداره سابقه نداشت  
**دکتر مصدق:** وکیل بود.

**سید ضیاء:** استدعامی کنم بین عرایض بنده فرمایشی

نماید، بگذارید که بنده عرایض خود را عرض کنم. بنده دفعه اول است که به پارلمان آمدم. شما که سابقه دارید در پارلمان باید پارلمانی بودن به بنده یاد بدهید (صحیح است) دیروز فرمودید که یک روزنامه‌نویس نمی تواند رئیس الوزرا بشود مگر اینکه سابقه کار ادارات دولتی داشته باشد.

**دکتر مصدق:** طی مراحل عرض کردم

**رئیس:** آقا تذکر می دهم.

**سید ضیاء:** بنده یا جواب آقا را باید عرض کنم یا عرایض خود را باید عرض کنم (بعضی از نمایندگان: خطبایان به ما باشند) پس بنده فرمایشات جنابعالی را نمی شنوم به هر حال بنده می خواهم این مطلب در این

مملکت حل شود که هر کس که لیاقت داشته باشد می تواند رئیس الوزرا بشود خواه دوله خواه سلطنته،

خواه تاجر، خواه بزرگ و خواه حمال.

**صفوی:** خواه روزنامه نویس.

**سید ضیاء:** ریاست وزرایی ارث نیست، وزارت ارث نیست، این اهانت ایشان به عالم مطبوعات همان مطبوعات که اجازه داد که آقای دکتر بیایند اینجا و به اسم ملت حرف بزنند به مطبوعات توهین شد. وقتی که من آمدم روزنامه نویس شدم، شما و امثال شما این را یک کار مبتدلی می دانستید حتی در تحت تأثیر عقاید امثال شما پدر مرحوم به من گفت ای خدا کار من به کجا رسیده است که سر من باید روزنامه نویسی باشد ولی من اهمیت مطبوعات را می دانستم و نویسندگان را همدوش انبیا و بزرگان و مریی بشر و مریی هیات اجتماعی می دانستم. آقای دکتر! اگر اساتره ادبی نسبت به ملک‌ها و دوله‌ها و سلطنه‌ها شد از این جهت دولی بنده انکار نمی کنم و تقدیر می کنم در مملکت ایران رجال باشرف و حقیقت و خدمتگذاری بودند که دارای لقب ملک و دوله و سلطنه بودند مثل مرحوم ناصرالملک، مرحوم مستوفی الممالک، مرحوم مشیرالدوله، آقای مؤتمن الملک، آقای ضیاءالملک که از دیروز سر ملک به بنده با نظر بی لطفی نگاه می کنند. بنده ایشان را از اشتخاص شریف می دانه و با اینکه ضیاءالملک هستند ایشان را شخص شریفی می دانستم و قصد توهین نبود و بین محبوسین هم آن‌هایی که محبوس بودند عرض نکردم که خائن بودند، عرض نکردم بی شرف بودند، عرض نکردم بد بودند، عرض نکردم خوب بودند، بنده آن‌ها را محاکمه کرده بودم و کسی را که محاکمه نکرده بودم نمی توانم درباره شان قضاوت کنم و فقط عرض کردم که یک نفر رئیس الوزرا در ۱۲۹۹ که قانون مجازات عمومی در این مملکت وضع نشده بود و حبس کردن مردم این مملکت برای وزیر و کدخد و حاکم یک امر عادی بود.

بنده نظر به مسئولیت خود مقتضی دیدم که یک عده را که کارهای مملکت را فلج می کردند آن‌ها را تحت نظر قرار بدهم ولی البته بنده روزی که آن‌ها را تحت نظر قرار دادم یک عده‌ای را بنده این طور کردم و اقرار هم می کنم پیش از اینکه رئیس الوزرا بشوم این کار را بنده با اینکه سراد سیه اینجا نیست از جوانمردی من دور است که او را متهم کنم و بگویم او کرد خیر بنده کردم، یک عده را من اسم بردم و یک عده را گفتیم هر کسی را که خودتان تصور می کنید بگیرید و یک عده را خودتان آزاد بکنید، از جمله مرحوم سردار معظم که یک ماه و نیم بعد از کودتا بدون اطلاع من ایشان را در تحت نظر قرار دادند. پس از آن بنده مقتضی دانستم که ایشان را بگویم تشریف ببرند به قم برای زیارت.

**دکتر مصدق:** مدرس!

**سید ضیاء:** همان مدرس مرحوم تشریف بردند به قزوین، در قزوین آزاد بودند، از اهالی قزوین تحقیق کنید، با کمال آزادی آنجا بودند.



شرح



## هزارچهارم

در سیمایم مشهود گشت، آقای جلیل برای اینکه با عقاید من بی دلیل مخالفت نکرده باشد گفت:

آقای جلیل به شنیدن این قصه به طوری می خندید که مجال جواب دادن نداشت. بالاخره همین که خنده اش تخفیف یافت، گفت: حالا می خواهی عقیده مرا بفهمی؟ گفتم: البته! گفت: به عقیده من خوبست بنویسی که این پول هائی که در ایام خرج می شود بهتر است که به مستحقین عیال واری مثل شیخ حلبی ساز پرداخته شود.

من به شنیدن این جواب تا حدی قیافه ام گرفته شد و آثار نارضایتی در سیمایم مشهود گشت، آقای جلیل برای اینکه با عقاید من بی دلیل مخالفت نکرده باشد گفت:

آن حلبی ساز چه گناهی کرده که مستحق رسوائی است؟! گفتم: من و احمد بدبخت را فریب داده است. گفت: شما که بیشتر از او گناه کارید، زیرا شما پدر و مادران را فریب داده و پول های خواهر و برادران را سرقت کرده و به همه دروغ گفته اید. پس گناه شما به مراتب زیادتر از حلبی ساز است.

گفتم: اگر ما گناهی مرتکب شدیم برای منظور بزرگ و در راه ثوابی بود که انجام آن هر معصیت و خلافی را جبران می نماید، ما به منظور عزاداری و شرکت در مصیبت مظلومین دشت کربلا اینکار را کرده بودیم؟

آقای جلیل تبسم کنان جواب داد: عیب کار مردم همین قضاوت های غلط است، هر کس خیال می کند حق و حقیقت همانطور است که او فهمیده و همانطور است که او عمل می کند، در صورتی که حقیقت مطلق اگر هم وجود داشته باشد، تاکنون بشر درک نکرده است و به قول حضرت لسان الغیب: به واسطه عدم درک حقیقت انسان همیشه ره افسانه می زند و جنگ هفتاد و دو ملت ایجاد می کند.

**مهاجرت پدر** چند شب بعد، پدرم نصفه های شب سراسیمه وارد منزل شد. من از صدای درب خانه بیدار شدم ولی از رختخواب بلند نشدم، مادرم با اضطراب علت تشویش او را پرسید، پدرم گفت: می خواهم شبانه از شهر خارج شده در دهاات اطراف چند روزی پنهان شوم، زیرا از قرار معلوم روسها تا چند روز دیگر وارد شهر خواهند شد. مادرم گفت: مگر روسها به مردم اذیت خواهند کرد؟

پدرم جواب داد: از ترس روسها فرار نمی کنم بلکه به ملاحظه رئیس ژاندارمهای شهر است که می خواهد چند روزی پنهان شود. سپس توضیح داد که رئیس ژاندارم ها، آدمی رذل و دزد و جانی است. اموال زیادی از مردم بزور گرفته و اشخاص متعددی بی جهت تیرباران نموده و عده ای از اهالی شهر - که از جمله پدرم و آقای جلیل بوده اند - مکرر از او به مرکز شکایت نموده و رفع شر او را تقاضا کرده اند. اولیای امور مرکز به جای اینکه برای آسایش اهالی شهر اقدامی نموده و را احضار نمایند، عین شکایات را برای رئیس ژاندارم ها فرستاده و را در اعمالش بیشتر تشجیع نموده اند! بالاخره پدرم اظهار نمود که این روزها شهر شلوغ خواهد شد و رئیس ژاندارم ها که در صدد فرار است، موقع مناسب برای انتقام پیدا خواهد کرد و مسلماً زحمتی برای شکایت کنندگان فراهم خواهد ساخت!

مادرم که به گفته های او کاملاً قانع شده بود، اظهار کرد که آقای جلیل هم با شما خواهد بود. پدرم

جواب داد: خیر او حاضر نشد در این موقع، اداره حمل و نقل را بی سرپرست گذاشته و از وظیفه خود قصور نماید، و به هر جهت فوق العاده از جانب او نگرانم، زیرا رئیس ژاندارمهای شهر بیشتر از همه با او دشمن است. پدرم پس از ادای این کلمات، صورت برادر و خواهر کوچکم را که در خواب بودند، بوسیده و بروی من خنده پر از مهر و محبتی که مخصوص پدران است، نثار نموده، با مادرم خداحافظی کرده و در ظلمت شب ناپدید گردید!

مادرم آرام و ملایم اشک می ریخت و زیر لب دعا می خواند و پدرم را به خدا و معصومین اظهار می سپرد. هوا کاملاً سرد و صدای ریزش آب از ناودانها یکنواخت و حزن آور بود، با اینکه باران به شدت می بارید، باد تندى نیز شاخه های لخت درختان را آزار می داد، پدرم که منشاء حیات و سرچشمه زندگانی ما بود، در چنین وقت و با چنان حالی ما را ترک نموده، به مکانی که برای خودش هم مجهول بود متواری شده بود! من پدرم را بیش از هر کس دوست داشتم و همین احساس علاقه مفرطی که نسبت به او می نمودم بیشتر بر وحشت و اضطرابم می افزود. قیافه احمد و سکینه مانند دو شعله شمع در دریای تاریکی و ظلمت نمودار بود، و من علی رغم خود و علی رغم کائنات، به تلقین فکر و خیال خیبت و ملعونی که صریحاً با من لجاجت می کرد، به خود میگفتم، پس شعله سوم کجاست؟

صبح دیر تر از هر روز بیدار شدم، آفتاب مطبوع



و مسرت بخشی از پنجره های اطاق بر روی تاختنوایم افتاده بود. دهانم تلخ و حالتم کسل و سرم سنگین بود. معلوم می شد شب را به سختی خوابیده و ناراحت گذرانیده بودم، خانه ما که پس از مرگ سکینه خلوت و بی صدا شده بود با رفتن پدرم حکم قبرستان را پیدا کرده بود و مادرم مانند جغد بر این گور غم افزا ندیده و ناله می نمود! خواهر و برادرم هنوز در خواب بودند. مادرم گوشه اطاق کنار منقل آتش نشسته جورابهایی ما را وصله می کرد و گریه کنان زیر لب چیزی زمزمه می نمود!

قلب من از شدت حزن و اندوه نزدیک به انفجار بود. نزدیک بود دیوانه وار نعره زده، پیراهن خود را پاره پاره نموده و موهای سرم را ریشه کن نمایم. نزدیک بود سر خود را به دیوار اطاق کوبیده مغز خود را بکلی متلاشی و پیریشان نمایم! نزدیک بود این مشت پوست و استخوان، این موجود بینوا و نحیف، این جغد نوحه گر و این زاغ سیاه بدبختی را - که لاینقطع مشغول ندبه و گریه بود - مورد حمله و تعرض قرار داده، فریاد زمزم: مادر بس است! بس است! من که از این زندگی سراپا محنت به تنگ آمدم! نزدیک بود نعره زانان بگویم چهره کودکانه من بیش از این تاب سیلی سخت حوادث را ندارد، من از این زندگی سراپا رنج و مذلت به کلی بیزار شده ام، نزدیک بود گریه کنان مادرم را مخاطب ساخته بگویم مادر جان اگر زندگی این است که تاکنون من دیده ام، یقین داشته باش هیچ جرم و جنایتی بالاتر از این نخواهد بود!

نزدیک بود بی مهابا و مجنون وار درب دهان مادرم را گرفته، شیون کنان بگویم: مادر! مادر! این دهان برای تسلی قلب و نوازش روح و تشجیع و تزیق نشاط و خرمی به کودکان بدبختی که بدون اراده خود در اثر میل شهوت شما به دنیا آمده اند، خلق شده نه برای ندبه و گریه و زاری! مادر، مادر!

این چشمان اشکباری که سرچشمه حزن و بدبختی است، برای تسلی و نوازش اطفال بینوایی که جز دیدگان مادر سرچشمه عشق و محبتی سراغ ندارند، خلق شده اند نه برای سرشک افشانی و بیقراری! مادر، مادر! اسم اشک و زهر گریه و نیش نوحه تو چنان روح و خون مرا مسموم خواهد نمود که تا آخر عمر و نفس واپسین... باری، از شدت تأثر و غم بدون اینکه چیزی بخورم، کتابهایم را به دست گرفته روانه مدرسه شدم، مادرم اصرار کرد چایی برایم بیاورد. گفتم: دیر شده: گفت پس در راه چیزی بخر که ناشتاهایم. مادرم خیال می کرد هنوز اشتعائى برای من مانده است، در این موقع مطلع گردیدم که رئیس ژاندارمى از روی کینه سابق، آقای جلیل آثمرد نیکو صفت را گرفته و تیرباران نموده است.

آغاز عمر من مانند خزان غم انگیزی که در آن قدم گذاشته ام بی طراوت و حزن آمیز بود، واقعه قتل جلیل و دوری پدر و اشک دائمی مادر، چنان افسرده ام کرده بود که آرزوی مرگ می کردم.

من آنروز هنوز به کیفیت مرگ آشنا نبودم، ولی همیقدر حس می کردم که اشخاصی که مورد علاقه ی من هستند، برای همیشه از من جدا می شوند و به عالم دیگر می روند. من آرزو می کردم در آن عالم احمد رفیق مدرسه و سکینه را پیدا کرده، با اولی بازی و با دومی عشق ورزی نمایم!

روزهای تاریک و حزن انگیز زمستان به کندی سپری می شد. ریزش باران و اشک چشم مادر دائمی بود. در کوچه باران بر سرم می بارید و در خانه اشک مادر قلم را سوراخ می کرد.

اولیاء مدرسه به واسطه نرسیدن شهریه و غیبت پدر، توجیهی به من نداشت، حتی مدیر مدرسه که با پدرم دوست بود، چند مرتبه عذرم را خواست و از مدرسه به بهانه های مختلف جوابیم کرد، با این حال من مدرسه را ترک نمی کردم. البته نه از نظر علاقه به درس بلکه فقط برای فرار از خانه و فراموش کردن چشمان اشکبار مادرم از مدرسه استفاده نموده سرزنشهای مدیر و معلم و شاگردان را به ناله و نفرین مادرم ترجیح می دادم!

چند ماه بود شهر از طرف روسها اشغال شده بود. ژاندارمها پس از زد و خورد مختصری، شهر را ترک گفته و قزاقان روسی جای آنها را گرفته بودند، البته این موضوع برای من تفاوت محسوسی نداشت، حتی برای مردم هم فرق نکرده بود، مردم، هم از قزاقان روس می ترسیدند و هم از ژاندارمها، هم ژاندارمها به مردم زور می گفتند هم قزاقها، به اینجهت رفتن آنها و آمدن اینها چندان تأثیری در نظر مردم نداشت.

**بروز ویا، درد گرسنگی و سرما**

خرجی ما کم کم تمام می شد و ادامه غیبت پدرم ما را به وحشت می انداخت. وضعیت ارزاق عمومی به واسطه جنگ و ناامنی روز بروز سخت تر می شد. هر روز که به مدرسه می رفتم دکانهای نانوائی را بی نان تر و پر جمعیت تر از روز قبل می دیدم.

آرد مختصری را که پدرم در خانه گذاشته بود، دیگر ممکن نمی شد برای پخت به دکانها داده شود، بلکه در خانه روی ساج آهنی نان فطیری درست می کردیم. من برای غذای ظهر یکی از آنها را به مدرسه می بردم ولی کمتر نان به مدرسه می رسید زیرا محله خود را می دیدم که با چشمان گود افتاده از من تمنای لقمه نانی دارند، من به هر کدام قطعه کوچکی از نان خود قسمت می کردم، و گاهی هم یکجا سفره نانم را گرسنه ها قاپ زده و از زحمت تقسیم کردن خلاصه می کردند!

هنوز زمستان به آخر نرسیده بود که قحطی به کمال شدت رسید. عده اموات روز به روز به فزونی بود، از در منزل تا مدرسه روزی نبود که چشمم چندین نعلش عریان که از دهانشان خونابه و کف خارج شده و شکم و دست و پایشان باد کرده باشد، نبینم! آنها همه دارای یک علامت و نشان بودند و معلوم بود همگی به یک درد مرده اند!





**مهدی بزاز دستفروش:** بیا ورود آئین مقدس اسلام به ایران خط کوفی نیز که قرآن مجید بدان خط نوشته می شده در ایران معمول گردید. تا قرن چهارم، کوفی یگانه خط کتابت مسلمانان بود، در این قرن علی بن مقله فارسی وزیر المقتدر بالله و الراضی بالله، تفننی در خط کوفی به عمل آورد و تغییراتی در آن صورت داد و خطوط زیبایی مناسب با طبع زیبا پسند ایرانی، یعنی خط های محقق، ریحان، ثلث، توقیع و رقاع و ضمایم شیوه اخیر یعنی غبار و طومار را اختراع نمود.

این خطوط مورد استقبال هنرمندان آینده قرار گرفت، علی بن کاتب معروف به ابن البواب، خوشنویس معروف عصر دیلمیان که از دختر ابن مقله تعلیم گرفته بود شیوه ابن مقله را تنقیح کرد و راه را برای خوشنویسان بعدی هموارتر ساخت. نوبت به یاقوت متعصمی رسید، وی زندگی خود را صرف تحریر و تعلیم شاگردان نمود، هر روز دو جزء قرآن می نوشت و هفتاد شاگرد را تعلیم می داد و هرگز اظهار خستگی نمی کرد. مبارک شاه زرین قلم تبریزی، یوسف مشهدی و سید حیدر جلی نویس از شاگردان برجسته او بودند که هر سه در تبریز توطن اختیار نمودند و به تعلیم شاگرد پرداختند. صیرفی از شاگردان یوسف مشهدی و تاج الدین علی شاه و غیاث الدین محمد پسر خواجه رشید الدین فضل الله از شاگردان سید حیدر جلی نویس بودند.

سیره حسنه تعلیم و تربیت هنرمندان همچنان در آذربایجان جاری بود و در نتیجه، هنرمندان و خوشنویسان معروفی چون حاجی محمد بنددوز، شیخ محمد بندگیر، عبدالحی، عبدالحسین و جعفر تبریزی، عبد الله بواب نگارنده کتیبه های عمارت مظفریه و مسجد جهان شاه تبریز پا به عرصه هنر نهادند. میرزا سلطان علی آق قویونلو، نظام الدین و قاضی زاده اردبیلی، میر نعمت الله عبد الوهابی، علاییک تبریزی، خواجه عتیق و قاضی عماد الاسلام اردوبادی و قاضی عبد الله خویی و دهها ثلث آرا و نسخ نویسی دیگر تا دوران صفویه از آذربایجان برخاستند و شیوه پیشینیان را دنبال کردند. اما عده ای به این کار قناعت نوردیدند و در صدد تغنن و اختراع خط و شیوه دل انگیز تری برآمدند که سرآمد آنان میر علی تبریزی واضع خط نستعلیق بود. وی در دوران تیموریان می زیست، شاگردان زیادی داشت، شیوه او را دنبال کردند و کار را هر روز پیشتر بردند تا در زمان صفویان، این شیوه به وسیله میر عماد حسینی قزوینی پا به حد کمال نهاد، چنانکه از آن زمان تا کنون همان شیوه بدون کم و کاست دنبال می شود. (کارنگ، ۱۳۵۴: ۶۲۵)

در سلسله ظهور همین بزرگان است که در دوره معاصر در هنر خوشنویسی خطه آذربایجان، چهره های شاخصی چون: روانشاد استاد میرزا طاهر خوشنویس و مرحوم زنده یاد استاد حاج حسن هریسی، فروغی چشمگیر داشته اند که در ترویج این هنر به موفقیت های شایانی دست یافته اند و غیر از تعلیم و ترویج این هنر، کاتب صدها کتب قرآنی، دینی، ادبی و... می باشند. (فرزبود، ۱۳۷۶: ۷)

حاج میرزا طاهر خوشنویس تبریزی فرزند عبد الرحمن در سال ۱۳۰۶ هجری قمری مطابق با ۱۲۲۷ هجری شمسی در یکی از روستاهای آذربایجان (قراجه داغ) در یک خانواده روحانی پا به عرصه حیات نهاد.

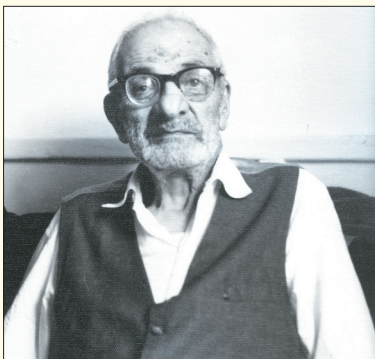
«در سال ۱۳۰۹ ه.ق به تبریز آمدم. پدرم قائم اللیل و صائم النهار بود. همواره قرآن را همراه داشت. هر ماه یک قرآن ختم می کرد، از فنون قرائت و تجوید نیز بی بهره نبود. در پنج سالگی کم کم قرآن را به من تعلیم داد، در هفت سالگی مرا به مکتب سپرد، من در آنجا گلستان، جامع عباسی و نصاب را فرا

دارد و برای مرتبه دوم چنین کند و باز تکرار نماید تا آن کلمه را صحیح و مشابه سرمشق بنویسد. با این گونه تمرین یک ماه طول نمی کشد که خطش خوب و قابل می گردد» (فرزبود، ۱۳۷۶: ۲۳)

استاد درباره آغاز کار کتابت می گوید: «در نه سالگی جزء سی ام قرآن را برای یکی

## یادگار میرزا طاهر خوشنویس

# مشق نویسی عشق



تألیف: میرزا طاهر خوشنویس

گرفتم، ضمنا در فراگیری و نوشتن خط نسخ کوشیدم، تا در اندک مدتی با مقدمات تحریر خط نسخ آشنا شدم» (کارنگ، ۱۳۵۴: ۶۲۸)

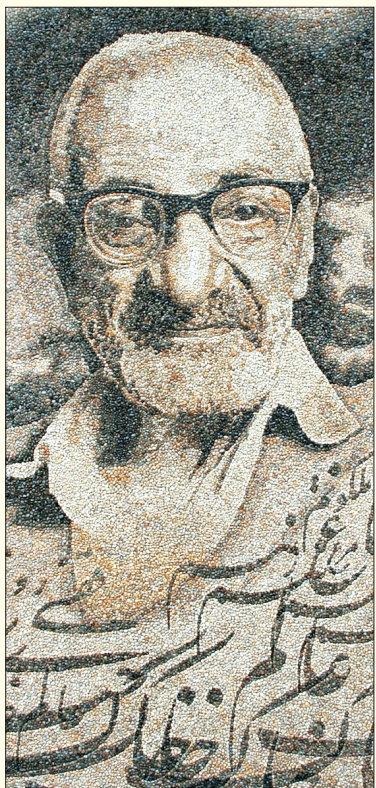
استعداد سرشار در خوشنویسی در وجود وی نهفته بود، بدون تعلیم و راهنمایی استاد، فقط به سائقه ذوق و عشق مفرط به خوشنویسی، آن قدر از روی خطوط شیوای استادان خط مشق می نماید تا از روی جود طبع و حدت ذهن، تجربه کافی اندوخته و به کیفیت و رموز و قواعد آن پی می برد. او بعدها در مورد شیوه مشاقی و طریقه خوشنویسی خود می گوید:

«نکته ای که در خوشنویسی به نظر من

## روزی که در آن نخورده کار

## آرزو غم خوش شمار

قابل تذکر است و آن طریق و روش من بوده، این است که هر کس بخواهد پیشرفت کند باید قطعه خط استاد مسلمی را بدست آورد. کاغذ نازکی روی کلمات و حروف آن قطعه بگذارد و قلمی به اندازه درشتی و ریزی آن خط بتراشد و بسمله بگوید. یعنی در ابتدای نوشتن از خدا توفیق و یاری طلبد و اول، کلمه ای را رونویسی کند، بعد، از خودش همان کلمه را پهلوی آن بنویسد و مقایسه کند و ببیند چه اندازه تفاوت



تألیف: میرزا طاهر خوشنویس

از کتابفروشی ها نوشتم، بالنسبه خوب بود و چاپش کردند. در ده سالگی صرف میر و تصریف و عوامل را نوشتم، آنها نیز به چاپ رسیدند. نوشته چهارم من معالم (در اصول) بود، آن نیز چاپ شد و هنوز نسخه های آن موجود و مورد استفاده طلاب علوم دینی است. سپس به نوشتن قرآن پرداختم، اولین قرآن را در سال ۱۳۲۱ ه.ق در سن سیزده سالگی شروع کردم، چهار سال تمام کارم نوشتن قرآن بود، انقلاب مشروطه پیش آمد، من در آن زمان، تازه

## میکوش بمشق کوفی

## تأملی آن تمام دانی

در مدرسه حسن پادشاه، پیش یکی از طلاب هم ولایتی به خواندن فقه آغاز کرده بودم. مدارس تبریز همه ملی بودند و تشکیلات دولتی فرهنگ برقرار نشده بود. مدرسه های فیوضات و رشدیه، مرا در سن هفده سالگی برای تعلیم خط دعوت کردند. پذیرفتم، چندی بعد مدرسه مموریال آمریکائیان نیز دعوت کرد، آنجا هم مشغول شدم. شاگردان خوبی داشتم و برای تشویق آنها، مبلغی از درآمد ماهیانه ام را به جایزه شاگردان مستعد تخصیص می دادم. مدتی سپری شد، تا محمد حسن میرزا ولیعهد و برادر احمد شاه به تبریز آمد و مدرسه متوسطه ای را الان فردوسی خوانده می شود تاسیس کرد. آن موقع، دکتر اعلم الملک رئیس افتخاری معارف آذربایجان بود، مرا نیز برای تعلیم خط به مدرسه محمدیه دعوت کردند، میرزا ابوالقاسم خان فیوضات معلم ریاضی آن مدرسه بود. معلمین دیگر هم، هم سنگ او بودند. کار من ادامه داشت تا آنکه مرحوم دکتر احمد خان محسنی مامور سرپرستی و تنظیم تشکیلات معارف آذربایجان شد، وی نیز مردی دانش پرور و هنردوست بود. بعد از پانزده سال خدمت در مدارس ملی، با دعوت دکتر محسنی ۳۵ سال دیگر رسماً در مدارس تبریز مشغول تعلیم خط شدم، و هم گام و توام با این خدمت، در این مدت به تحریر کتاب و

رساله علمی و اخلاقی و دینی از قبیل مکاسب، مفاتیح و قرآن، موفق شدم» (کارنگ، ۱۳۵۴: ۶۲۸)

استاد میرزا طاهر خوشنویس در عرض شصت و چهار سال به تحریر بیش از دویست جلد کتاب، رساله علمی، اخلاقی و دینی از قبیل مکاسب، مفاتیح الجنان (۶ جلد)، قرآن (۲۵ جلد) منتهی الامال، نهج البلاغه (چهار جلد) صحیفه سجاده، گلستان سعدی، جامع المقدمات، شرح جامی، کتاب رجال (۵ جلد)، کفایت الاصول و... موفق می شود. هنرمندان عزیزی که دستی در کار کتابت دارند بخوبی واقفند که تحریر دویست جلد کتاب آن هم کتابهایی نظیر قرآن در بیش از یک هزار صفحه به تعداد بیست و پنج بار یا مکاسب و شرح آن در هزار و شصت و چهار صفحه و یا مفاتیح الجنان در بیش از هزار صفحه و... کار سهل و آسانی نیست. (فرزبود، ۱۳۷۶: ۲۵)

استاد در سال ۱۳۳۴ شمسی در سن هفتاد سالگی بازنشسته شد. وی در سال ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان و بقیه عمر را در آنجا سپری نمود. در آبان ماه سال ۱۳۵۴، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی برای تجلیل از خدمات ارزنده استاد از ایشان دعوت بعمل آورد و بدین ترتیب در کتابخانه ملی تبریز مورد تجلیل و تکریم قرار گرفت. (جلالی دیزجی، ۱۳۷۰: ۲۵)

وی در همان ایام می گوید: اکنون در شرف نود سالگی هستم، آخرین کتابی که می نوشتم کتاب آسمانی قرآن بود که در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی به پایان رساندم و با ختم این قرآن تعداد نسخه هایی که از قرآن نوشته ام به ۲۵ جلد بالغ شد.

اما حاصل زندگی خانوادگی شش دختر و یک پسر است که بحمد... همه در حال حیانتند و من از ایشان خرسندم و به خدای خود سپاسگزار، ولی احساس می کنم دیگر قدرت چندانی برای نوشتن ندارم و باید باقی عمر را همه به استراحت پردازم (کارنگ، ۱۳۵۴: ۶۲۸)

استاد حاج میرزا طاهر خوشنویس، حدود هشت ماه پس از بازگشت به تهران، در چهاردهم تیر ماه سال هزار و سیصد و پنجاه و پنج رخت از جهان بریست، پیکر این هنرمند ارزنده ابتدا در بهشت زهراي تهران بخاک سپرده شده بود، اما در بهمن ماه هزار و سیصد و هشتاد و چهار مقبره ایشان به تبریز منتقل و در مقبره الشعراي تبریز و در جوار مزار استاد سید محمد حسین شهریار، جای گرفت.

از مطالعه عمر پر بار مرحوم روانشاد، استاد میرزا طاهر خوشنویس آنچه استنباط می شود این است که وی از نبوغ فوق العاده ای برخوردار بود، اصالت هنر را به هیچ وجه با لذات زودگذر مادی معاوضه ننموده و همواره هستی خود را در کالبد حروف و کلمات دمیده است. حیرتی که از مطالعه کثرت آثار ایشان به انسان دست می دهد مویذ این امر است. (فرزبود، ۱۳۷۶: ۲۷)

منابع:

- جلالی دیزجی، علی، ((کتاب شناسی آثار و احوال طاهر خوشنویس تبریزی))، تحقیقات اسلامی، سال ششم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۰.

- کارنگ، عبدالمعلی، ((اشارتی به تحول خط در آذربایجان))، یغما، شماره ۳۲۸، دی ماه ۱۳۵۴.

- فرزبود، محمدعلی، کلک و کمال (یادمان استاد حاج میرزا طاهر خوشنویس)، انجمن خوشنویسان تبریز، آذرماه ۱۳۷۶.



## امروز در تاریخ

## خشم خراسانی ها از قتل ابومسلم

۲۰ روز طول کشید تا خبر قتل ابومسلم خراسانی از بغداد به توس (خراسان) برسد و خشم خراسانی‌ها را باعث آید. [منظور خراسان بزرگتر است که اینک بیشتر اراضی آن در افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان واقع شده‌اند]. ابومسلم خراسانی ۵ ژوئن سال ۷۵۵ میلادی در بین‌النهرین (عراق امروز) به‌تحریر منصور خلیفه عباسی به‌تور کشیده بود.

قیام هواداران ابومسلم گرچه سرانجام به استقلال ایران انجامید، ولی در آن ایام به جای نرسید. ابومسلم متولد اصفهان که ژنرالی در خراسان بود در سال ۷۳۷ میلادی، پس از تصرف شهر مرو، بر ضد حکومت بنی امیه قیام کرد و طی چند نبرد به حکومت آنان پایان داد و خلافت را به عباسیان منتقل کرد. طولی نکشید که ابومسلم متوجه شد عباسیان هم در دنیاپرستی دست کم از او میان ندارند و لذا به انتقاد از آن‌ها پرداخت و همین امر باعث شد منصور خلیفه عباسی احساس خطر کند و او را از میان بردارد.

اندروز آمریکا به انگلستان که وارد عملیات نظامی بر ضد ایران نشود  
دولت انگلستان چهارم تیرماه ۱۳۳۰ و چند روز پس  
از انجام خلع ید از آن دولت در صنایع نفت ایران، دستور  
انتقال اتباع و مهندسان خود را از آبادان به بصره صادر و ناو  
جنگی «موریشس» از نوع رزمناو سبک را روانه آبهای ایران  
کرد که این اقدام، احساسات ملی ایران را چنان برانگیخت  
که گروهی از خلبانان نیروی هوایی داوطلب حمله انتحاری  
(کامیکازی) به این ناو شدند. در همین روز به شناورهای  
نیروی دریایی فرمان آماده باش کامل داده شد، چند آتشبار  
ساحلی به خوزستان منتقل و برای تقویت روحیه مردم،  
واحدهای ارتش در تهران و شهرهای دیگر در خیابان‌ها رژه  
رفتند و تجهیزات و آمادگی خود را نشان دادند و قرار شد که  
اگر تهدید جدی شود، ثبت نام از داوطلبان برای جنگ آغاز  
و سربازان احتیاط (منقضی خدمت) تا سه دوره به زیر پرچم  
احضار شوند.

همین آمادگی سبب شد که دولت وقت آمریکا به لندن اندرز دهد که در شرایط موجود به مصلحت نیست برضد «ایران بپاخاسته» دست به اقدام نظامی بزند. نگرانی دولت آمریکا عمدتاً قرار داد سال ۱۹۲۱ تهران-مسکو بود که دست روسیه را در شرایطی برای انتقال نیرو به ایران باز گذارده بود.

www.iranianshistoryonthisday.com

## سوڊوڪو

	۲				۸		۳
			۱		۵	۶	
			۸			۱	
			۷	۳		۴	
	۶						۳
		۹		۸	۴		
		۱			۲		
	۸	۶	۳		۱		
۳		۴				۵	

5	9	4	2	1	3	7	1	6
7	1	6	5	9	4	2	1	3
2	1	3	7	1	6	5	9	4
4	5	9	3	6	2	1	7	1
1	2	7	4	5	1	3	6	9
3	6	1	9	7	1	4	5	2
1	4	5	1	3	9	6	2	7
9	7	2	6	4	5	1	3	1
6	3	1	1	2	7	9	4	5

حل ۱۰۹۱

## قاب امروز



صف متروپکن / منبع: تلگراف

## داستان کوتاه

## شکایت جالب

بخش پونتیاک شرکت خودروسازی جنرال موتورز شکایتی را از یک مشتری با این مضمون دریافت کرد: «این دو مین باری است که برایتان می نویسم و برای این که بار قبل پاسخی نداده اید، گلائیله ای ندارم، چرا که موضوع از نظر من نیز احمقانه است. به هر حال، موضوع این است که هر دفعه برای خرید بستنی وانیلی به مغازه می روم و به خودرو باز می گردم، ماشین روشن نمی شود. اما هر بستنی دیگری که بخرم، چنین مشکلی نخواهم داشت». مدیر شرکت یک مهندس را مأمور بررسی مسأله کرد. مهندس خبره شرکت، شب هنگام پرسشی از شام با مشتری قرار گذاشت. آن دو به اتفاق به بستنی فروشی رفتند، آن گداشت بستنی وانیلی بود. پس از خرید بستنی، همانطور که در نامه شرح داده شد،

## سرایه

بامی به کنار جوی می باید بود

وز غصه کناره جوی می باید بود

این مدت عمر ما چو گل ده روز است

خندان لب و تازہ روی می باید بود

حافظ



## جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

[illegible]

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۴ تیر ۱۳۵۳، (برابر با ۴ جمادی الآخر ۱۳۹۴، ۲۵ ژوئن ۱۹۷۴) نقل شده است

عدم کمک به مصدومین جریمه و زندان دارد

با تسلیم لایحه مجازات خودداری از کمک بدو مین و رفع مخاطرات جانی بـمجلس شورای ملی، عده مردم که قصد کمک به همنوع خود داشتند ولی از تئاری بعدی آن می ترسیدند، رفع نگرانی میشود.

انگیزه تهیه و تدوین این لایحه چنین توجیه شده  
 است: افراد، با وجود امکان کمک به کسی که در معرض  
 رقرار گرفته بود از انجام این تکلیف اخلاقی و انسانی  
 مداری می کردند و این امر گاه باعث بروز عواقبی  
 ناایز می شد.

از سوی دیگر برخی از مردم برای آنکه از سوی جمع انتظامی و مراکز درمانی به کمک‌به‌مصدومین، حتمی برایشان پیش نیاید، از هر اقدام خودداری کردند.

اینک برای رفع این مزاحمت، و مکلف شدن تمام مذکور به مصدومین، لایحه مذکور تهیه و بزودی به مجلس خواهد شد.

## فرخ جدید کالباس و سوسیس

هیئت عالی نظارت بر اتاقهای اصناف نرخ کالباس  
موسیس را تصویب کرد. این نرخ تا آخر سال پنجاه و  
رقابل اجرا می باشد.

بموجب مقررات نرخ جدید، قیمت کالباس درجه مخلوط گوشت گاو و خوک عمده فروشی، هر ۱۱۵/۲۵ ریال، خرد فروشی ۱۳۲/۵ ریال. سوسیس، موط گوشت گاو و خوک، هر کیلو عمده فروشی، ۱۱۵ ریال و خرد فروشی هر کیلو ۱۳۲/۵۰ ریال. اس چهارگوش هر کیلو عمده فروشی، ۱۱۱ ریال و خرد فروشی هر کیلو ۱۳۷/۵ ریال.

کالباس گوشت گاو خالص هر کیلو عمده فروشی ۱۲ ریال، خرده فروشی ۱۴۴/۵ ریال، سوسیس ص گوشت گاو هر کیلو عمده فروشی ۱۲۹/۷۵ ریال، ده فروشی ۱۴۹ ریال.

برای نجات یک کشتی پانامائی نیروی دریائی وارد عمل شد

برای نجات یک کشتی پانامائی بنام «گلف آف بوند» که از ۳۵ روز قبل در منطقه جاسک و چابهار به نشسته است ناو هرمز وارد عمل شد.

کشتی پانامائی روز سی و یکم اردیبهشت ماه گذشته  
لنگر نشست. هوایمماهای کشتی نیروی دریائی ایران که  
جه جریان شده بودند فوراً جریان را به مقامات بندری  
اطلاع دادند.

اداره بندر و کشتیرانی بندر عباس در همان تاریخ  
م به اعزام چهار فروند یکدکش برای نجات کشتی  
اما تلاش یکدکشهای نتیجه ماند.

روز گذشته ناهرمز با ۱۰۰ تن آب شیرین به محل  
مت‌کرد و مقداری دارو و آذوقه نیز برای کارکنان  
ستی پانامائی و نیز ملوانان چهار یدک‌کش ایرانی در  
ش نجات کشتی مذکور هستند همراه برد.

## جستجو برای یافتن آثار گمشده چهلستون

باستناد کتب قدیمی خارجی که کارشناسان اداره  
تنگ و هنر در اختیار دارند آثار ارزشمند دیگری هم  
می‌ماند که باقی‌مانده هشت بهشت و چهلستون اصفهان  
که بمزور زمان ویران شده و در دل خاک پنهان شده  
است.

به همین منظور عملیات کاوش در اطراف این کاخها مدتی قبل شروع شده است و وسعت و اهمیت بیشتری دگرفت.

گزارش خبرنگار ما از اصفهان حاکیست: صبح روز دوشنبه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ در دفتر کار آقای ابراهیم استاندار اصفهان و با شرکت شهردار و سرپرست فرهنگسرا تشکیل شد. طرح هشت بهشت و تلفیق برنامه‌های هنر و هنر و شهرداری مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه مقرر شد به منظور تسریع در کارهای کارشناسان هنر و هنر در کارهای هشت بهشت و چهلستون که در حال حاضر در حال انجام است، اقدامات لازم به عمل آید.

آثار با ارزشی را در دل حاکمهای اطراف خود نهفته  
عملیات پارک سازی در پارک مرکزی متوقف شود و  
تسطیح و خاکبرداری در آن انجام گردد.